



## نوروز بر کارگران و زحمتکشان مبارک باد!

در صفحه ۳



### با شما باد آتشین سوگند، با شما باد آتشین پیوند

### ادعاهای جعلی ارگان وزارت اطلاعات و پرونده سازی برای فعالان جنبش زنان

توأم با تشدید اقدامات سرکوبگرانه جمهوری اسلامی علیه توده های مردم ایران، روزنامه کیهان، ارگان غیر رسمی وزارت اطلاعات حکومت اسلامی، پرونده سازی علیه فعالین جنبش های اجتماعی را شدت بخشیده است. این پرونده سازی های کیهان، همان گونه که همگان با آن آشنا هستند و در طول تمام دوران تشکیل وزارت اطلاعات، نمونه های فراوانی از آن را می توان دید، سرهم بندی کردن یک مشت جعلیات ساخته و پرداخته وزارت اطلاعات، به منظور دستگیری، سرکوب و کشتار مخالفین بوده است.

ارگان وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی، در پی سرکوب وحشیانه تجمع زنان و بازداشت بیش از ۳۰ تن از آنها، در تاریخ ۱۴ اسفند، در نوشته ای تحت عنوان "کمپین یک میلیونی، با کمتر از ۵۰ امضاء" مطابق رویه معمول و همیشگی وزارت اطلاعات، تلاش کرده است، پرونده ای برای گروهی از فعالین جنبش زنان بسازد که در نوع خود تماشایی و مسخره است.

در این پرونده سازی وزارت اطلاعات، از سازمان های اطلاعاتی و جاسوسی جهان سرمایه داری و قدرت های امپریالیست گرفته تا سازمان های کمونیستی ضد سرمایه داری و ضد امپریالیست همه حضور یافته اند، تا پرونده وزارت اطلاعات، برای ارتباط جنبش زنان، هم،

در صفحه ۸

### پاسخ به سئوالات

در صفحه ۱۲

"دختر رحمان" گردد. تا کودکان دشت، در موج خوشه های گندمزار، به طرب بنشینند، و رود، بی التهاب از گل آلود شدن، همچنان نجوا گر روایت سرخ "ماهی سیاه" صمد باشد.

در آستانه ی بیست و پنج اسفند ایستاده ایم. روز جان باختگان سازمان فدائیان اقلیت، روز بزرگداشت حماسه آفرینی، از خودگذشتگی، فداکاری و قهرمانی صدها جانفشان فدائی، که برغم سیاهترین دیکتاتوری های حاکم بر ایران،

در صفحه ۵

### لیبرال ها، مارکس بی آزار می خواهند

در کشوری همچون ایران، که همواره دیکتاتوری های عریان در این یک قرن بر آن حاکم بوده است، حتا ممنوعیت و به آتش کشیدن آثار سوسیالیستی و تیر باران هزاران کمونیست، نتوانست و هرگز نمی تواند، مانع از گسترش اندیشه ها و نظرات علمی و رهایی بخش مارکس گردد.

به رغم تمام وحشی گری های بورژوازی حاکم

در صفحه ۲

در آستانه ی بیست و پنج اسفند، سالروز جانباختگان فدائی قرار گرفته ایم. روز شکفتن "ارغوان" بر بام خانه مردم، روز خروش خشم دلیر زنان و مردان فدائی، در "قلعه" و "اوین" و "قزل". روزی که سروهای سرافراز، آوازهای بلند رهایی را، در سپیده دمان، بر ستیغ قله نشانند، تا خزر به میزبانی کویر تشنه بنشینند. و خلیج، آغوش مهربانی خود را، برای سپید رود و زربینه رود بگشاید. تا آفتاب، بر دستان کار بوسه زند و زمین جلوه گاه رقص و شادمانی

ایده ها و نظریات سترگ سوسیالیستی کارل مارکس از چنان استحکام علمی برخوردارند که به رغم تلاش های بورژوازی و نظریه پردازان رنگارنگ آن، در طول یکصد و پنجاه سال گذشته، برای بی اعتبار نشان دادن و کهنه اعلام کردن آنها، امروزه زنده تر و استوارتر از همیشه، بیگانه پرچم و راهنمای بشریت ستمدیده برای رهایی از یوغ جهان ستم و سرمایه اند.

۹ مردم فلسطین در منگنه ی ارتجاع اسلامی و سیاست های امپریالیستی

۷ چشم انداز تیره اوضاع اقتصادی در آینه بودجه سال ۸۶

۴ مبارزات کارگران جهان در ماهی که گذشت

۶ امسال روز جهانی زن روز دیگری بود

۱۰ خلاصه ای از اطلاعیه ها و بیانیه های سازمان

## لیبرال ها، مارکس بی آزار می خواهند

بر ایران، اکنون اندیشه های کارل مارکس، چنان رسوخی در صفوف طبقه کارگر و محیط های علمی و روشنفکری یافته است که دیگر، طبقه حاکم نمی تواند، فقط با اعدام و زندان، سانسور، بایکوت و فحاشی به مقابله با آنها برخیزد.

اکنون، فهمیده ترین نمایندگان طبقه سرمایه دار، با سلاح دیگری به مقابله با مارکس برخاسته اند. اینان، حالا مارکس را اندیشمندی فهمیده، با نوشته هائی بسیار عمیق، می خوانند، که اشکال کار آن در این است، که از تضاد های جامعه سرمایه داری، مبارزه طبقاتی و انقلاب کارگری برای نفی این نظام و بنای جامعه نوین سوسیالیستی سخن می گوید. به عبارت دیگر، مارکس، بدون مبارزه طبقاتی، بدون انقلاب کارگری و بدون انقلاب برای دگرگونی نظم موجود بد نیست و حاضرند به مارکس مدال هم بدهند. آنها مارکس بی آزار می خواهند.

یکی از سرشناس ترین نمایندگان این گرایش، که خود را مدافع سینه چاک لیبرالیسم معرفی می کند، غنی نژاد استاد اقتصاد دانشگاه است.

وی اخیراً در یک سخنرانی، در دفتر انجمن اسلامی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، به دفاع از "اقتصاد آزاد" و نقد نظرات مارکس برخاست.

وی ابتدا گفت:

"مارکس از اندیشمندان سوسیالیسم است و مطالب و کتاب های خود او- نه تفسیر هائی که بر آنها نوشته شده است- بسیار عمیق و ارزشمند هستند." بسیار خوب! حالا شنوندگان وی می خواهند بفهمند این مطالب و کتاب های مارکس که "بسیار عمیق و ارزشمنداند"، ارزشمندی آنها در چیست؟ لابد چیز هائی در آنها هست که آنها را عمیق و ارزشمند کرده است. آنها چه هستند؟ غنی نژاد، البته حرفی برای گفتن ندارد. وی فقط این تعریف و تمجید را از مارکس می کند و بدون این که حتی اشاره ای به آن چه که در "مطالب و کتاب های" مارکس " بسیار عمیق و ارزشمنداند" داشته باشد، به این مسئله می پردازد که "جامعه مدرنی {کاپیتالیستی} را که به تصویر کشید، مبتنی بر تضاد است که با حل این تضاد می توان به جامعه ای بدون طبقه رسید، که این جز با جنگ بزرگ و نهائی طبقه کارگر و غلبه بر بورژوازی امکان پذیر نیست." اشکال اصلی مارکس هم در این است که "بزرگینه" می باشد و "تبعات بدی" دارد. به همین علت نباید از آن پیروی کرد.

استاد اقتصاد دانشگاه، حتماً می داند که مارکس، اثری دارد به نام کاپیتال که یک کالبد شکافی تام و تمام نظام سرمایه داری است. این، یکی از ارزشمندترین "مطالب و کتاب های" مارکس است. در این اثر، مارکس بررسی و تحلیل شیوه تولید سرمایه داری را با کلا آغاز می کند که سلول پایه ای اقتصادی جامعه سرمایه داری است. اما فقط این نیست که از ساده ترین و درعین حال عمومی ترین پدیده جامعه بورژوازی آغاز کرده باشد. بلکه مارکس با تحلیل و بررسی این سلول، تمام تضادها و نطفه تمام تضادهای شیوه تولید سرمایه داری را برملا می سازد. رشد و تکامل آنها را نشان می دهد، راز نهفته و پنهان استثمار سرمایه داری را آشکار می سازد،

قوانین حاکم بر تکامل شیوه تولید سرمایه داری را نشان می دهد و رشد و تکامل تضادها و تناقضات عینی جامعه سرمایه داری را تا نقطه ای دنیال می کند که خود این تکامل، نفی مالکیت خصوصی و مناسبات تولید سرمایه داری را، به همراه بدیل و راه حل آن، مالکیت اجتماعی و استقرار شیوه تولید کمونیستی را به امری ضرور و اجتناب ناپذیر تبدیل می سازد. عامل زنده این دگرگونی نیز پرولتاریاست که تضاد آشتی ناپذیرش با بورژوازی، در بطن رشد و تکامل جامعه سرمایه داری به نقطه ای می رسد که بورژوازی را سرنگون می کند و دگرگونی را برای حل تمام تضادهای شیوه تولید سرمایه داری، به استقرار یک جامعه کمونیستی، به سرانجام می رساند.

اگر کاپیتال مارکس بر پایه تحلیل این تضادها، رشد و تکامل آنها، مبارزه طبقات متخاصم قرار نمی داشت، هیچ چیز ارزشمند و عمیقی در آن وجود نمی داشت، چون فاقد هرگونه تحلیل و بررسی علمی می شد.

بنابراین روشن است که چرا اقتصاد دان بورژوا، حتی نمی تواند یک اشاره کوتاه هم به "مطالب" "ارزشمند و عمیق" مارکس داشته باشد. چرا که در آن صورت، ناگزیر می شد، به پیوستگی تمام مطالب عمیق و ارزشمند، اعتراف کند و این با دفاع از مالکیت خصوصی، دفاع از سرمایه داری و اقتصاد آزاد جور در نمی آید. اما وی درست آن چیزی را نمی خواهد و غیر ارزشمند می داند که نفی آن، نافی تمام "مطالب و کتاب های ارزشمند و عمیق" مارکس است. او اشکال می گیرد که مارکس "جامعه سرمایه داری را بر پایه تضاد تحلیل می کند و راه حل این تضادها نیز مبارزه طبقاتی پرولتاریا و غلبه نهائی آن بر بورژوازی است."

اما ببینیم وی در توضیح مسئله، چه درکی از مارکس ارائه می دهد؟ وقتی که این استاد اقتصاد، به اظهار نظر در مورد نظرات مارکس می پردازد، به نظر می رسد که وی حتی اثری از مارکس نخوانده است. از جمله وی می گوید "اندیشه مارکسیستی بر پایه نظام طبقاتی و تنازع برای بقاء بنا شده است." تئوری تنازع برای بقاء تئوری داورینیسم اجتماعی ست و ربطی به مارکس و مارکسیست ها ندارد، بلکه نظریه ساخته و پرداخته گروه های فاشیست است.

آن چه مارکس می گوید، این است که از هنگام پیدایش مالکیت خصوصی و جامعه طبقاتی، سراسر تاریخ، تاریخ مبارزه طبقاتی ست. مبارزه طبقاتی نیروی محرکه تاریخ است و این مبارزه سرانجام به نقطه ای می رسد که به جامعه طبقاتی و طبقات پایان می بخشد.

مبارزه طبقاتی هم کشف مارکس نبوده است. مبارزه طبقات واقعیست ست که از دوران جامعه طبقاتی وجود داشته و مدت ها پیش از مارکس، در دورانی که هنوز لیبرالیسم بورژوازی معنایی داشت، و نظریه پردازان بورژوازی مترقی، در پی کشف قانونمندی های تکامل اجتماعی بودند، و نه همچون امروز که در پی آند، ببینند چه چیزی برای سرمایه داری خوب است و چه چیزی بد، نقش آن را در تحولات اجتماعی و

تاریخی دریافتند. آن چه که مارکس آورد و جدید بود، نشان داد که این مبارزه طبقاتی، سرانجام به دیکتاتوری پرولتاریا و نفی طبقات، مبارزه طبقاتی و جامعه طبقاتی می انجامد.

برای این که آرامش خاطری هم به لیبرال ها و دیگر طرفداران نظام سرمایه داری داده شود که از دیکتاتوری پرولتاریا وحشت نکنند، باید افزود که دیکتاتوری پرولتاریا هم از دیدگاه مارکس، هیچ معنای دیگری جز اعمال اراده سیاسی پرولتاریا ندارد. همان گونه که در جامعه بورژوازی موجود، طبقه سرمایه دار، اراده سیاسی خود را به عنوان طبقه حاکم و مسلط تحمیل و اعمال می کند، پرولتاریا نیز برای یک دوران گذار از سرمایه داری به کمونیسم که هنوز خود را کاملاً به عنوان یک طبقه نفی نکرده است، مادام که هنوز مبارزه طبقات وجود دارد و هنوز دولت وجود دارد، باید به عنوان طبقه حاکم، اراده سیاسی خود را اعمال کند. این است، معنای دیکتاتوری پرولتاریا.

بنابراین روشن است که اولاً- از سال ها پیش از مارکس، حتا نظریه پردازان بورژوازی، مبارزه طبقات و نقش آن را دریافتند، و حالا دیگر خیلی احمقانه است که کسی پیدا شود و بخواهد، مبارزه طبقات را نفی کند. ثانیاً- مارکس هم وجه تمایزش در این مورد، از نظریه پردازان بورژوا، در این است که نشان می دهد، این مبارزه طبقاتی به دیکتاتوری پرولتاریا می انجامد.

معلوم نیست که استاد اقتصاد دانشگاه چگونه می خواهد مبارزه طبقات را انکار کند. بعید است که وی تا به این حد پرت و توجیه گر باشد. شاید می خواهد بگوید، منافع طبقات متضاد باهم آشتی پذیرند و اشکال مارکس در این است که طرفدار هماهنگی منافع طبقات متخاصم نیست، اما نمی تواند، حرف خود را درست بیان کند. در این حالت نیز هیچ چیز "عمیق و ارزشمندی" در مارکس وجود نخواهد داشت و در نهایت و بهترین حالت، مارکس هم می شود، همانند سوسیالیست های عهد عتیق که هماهنگی منافع را می خواستند و نه مبارزه طبقاتی و دیکتاتوری پرولتاریا.

در مورد تضاد هم باید به این جناب استاد دانشگاه یادآور شد که حالا سال ها، از دورانی که حتا متفکرین بورژوازی، نقش تضاد را در حرکت و تکامل دریافته و نقطه اوج دست آورد آنها، منطبق هگل بود، سپری شده است. کسی باید بسیار پرت باشد که پدیده ای را بدون تضاد، بدون وحدت و مبارزه ضدین، بدون نقش تضاد در رشد کمی و کیفی هر پدیده، بدون جهش و تکامل، بخواهد.

جامعه سرمایه داری هم، مثل هر پدیده دیگر، بر بنیاد تضادهائی شکل گرفته است که این تضادها راه حل عینی خود را نیز نشان می دهند. مانع، در اینجا طبقه حاکمی ست که آگاهانه، حل این تضادها را به تاخیر انداخته است. این تاخیر، البته، سرانجام با یک انفجار اجتماعی به پایان می رسد و تضادها نیز حل می شوند. این انفجار هم چیزی جز همان انقلابی نیست که تمام طرفداران نظم سرمایه داری از آن وحشت دارند.

اما فقط در استناد تئوری تنازع بقاء به مارکس نیست که غنی نژاد نشان می دهد، چیزی از



## پیام نوروزی سازمان فدائیان (اقلیت)

# نوروز بر کارگران و زحمتکشان مبارک باد!

### کارگران، زحمتکشان و روشنفکران انقلابی!

«گزینشی»- امنیتی احضار شدند. صدها دانشجو، مورد تهدید و ارباب قرار گرفتند، حکم محرومیت از تحصیل گرفتند و یا دستگیر و بازداشت و روانه زندان شدند. نشریات دانشجویی یکی پس از دیگری تعطیل و توقیف شدند. اعمال فشار بر نویسندگان، روزنامه نگاران و زندانیان سیاسی افزایش یافت. سانسور و ممیزی نشر کتاب تشدیدگردید و صدها سایت اینترنتی نیز فیلتر شد.

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی بر این خیال بود که با تشدید خفقان و توسل به سرنیزه و سرکوب خشن و عریان و با گستراندن فضای رعب و اختناق در جامعه، می تواند، تضادهای جامعه را تخفیف دهد، بحران های موجود را حل کند و توده های زحمتکش مردم را به سکوت و خاموشی وادار سازد. اما تشدید و تداوم اعتراضات و اعتصابات کارگران، اجتماعات اعتراضی و اعتصابات سراسری معلمان، اجتماعات اعتراضی و مکرر زنان و دانشجویان، بار دیگر نشان داد که رژیم ارتجاعی حاکم، با هر درجه از سرکوب و تکیه بر سرنیزه، باز هم قادر نیست جلوی رشد جنبش های اعتراضی و اجتماعی را مسدود کند. هم اکنون دامنه اعتراض و ناراضیاتی در میان اقشار زحمتکش مردم به نحو چشمگیری افزایش یافته است. سیر رویدادها در یک سال اخیر مطلقاً به زیان جمهوری اسلامی رقم خورده است و به نحو غیر قابل انکاری بار دیگر این حقیقت را ثابت می کند، که مردم، این رژیم را نمی خواهند.

### کارگران، زحمتکشان و روشنفکران انقلابی!

وضعیت رژیم جمهوری اسلامی در عرصه مسائل خارجی نیز بهتر از وضعیت داخلی آن نیست. این فقط تحولات داخلی نیست که به زیان رژیم رقم خورده است و بیش از این به زیان رژیم رقم خواهد خورد. بلکه تحولات بین المللی و منطقه ای نیز چشم انداز امید بخشی برای حاکمیت کنونی ترسیم نمی کند. صدور قطعنامه شورای امنیت و اعمال تحریم های گسترش یافته ی متعاقب آن، جمهوری اسلامی را در موقعیت بسیار دشوار و متناقضی قرار داده است. تصمیمات شورای امنیت و تحریم رژیم جمهوری اسلامی، آشکارا موقعیت رژیم را تضعیف نموده است. این موضوع، در عین حال، بر شدت تضادها و اختلافات درونی رژیم نیز افزوده است و آن را با یک بحران سیاسی جدید روبرو ساخته است. هم اکنون تشنگی و پراکندگی در میان حکومت کنندگان به جایی رسیده است که علی رغم تلاش سران حکومتی برای پرهیز از اختلافات، دیگر نمی توانند مانع کشمکش ها و جدال های لفظی شدید در بالاترین رده های حکومتی، منجمله نزاع لفظی میان رفسنجانی و احمدی نژاد شوند و یا آن را پنهان نگهدارند. آن ها مانند اسب های گاری، هنگام بالا رفتن از سربالائی یک دیگر را گاز می گیرند. شکی نیست که پافشاری بر سیاست های تاکتونی، بحران سیاسی را به مراحل حادثتری می کشاند، تضادهای کنونی و شکاف های موجود را عمیق تر می سازد و امکان بروز و گسترش جنبش های اعتراضی و برآمد توده ای و انفجار اجتماعی تهدید کننده موجودیت جمهوری اسلامی را نیز بالا می برد.

از سوی دیگر پذیرش قطعنامه شورای امنیت نیز آشکارا به معنای شکست جمهوری اسلامی است که به اعتبار و نفوذ آن در منطقه، به ویژه لبنان و فلسطین و عراق، لطمه جدی وارد خواهد ساخت. عقب نشینی جمهوری اسلامی در این زمینه، به معنای نقطه آغازی برای عقب نشینی های بعدی و امتیاز دادن های بیشتر خواهد بود. آمریکا صرفاً به مسئله اتمی اکتفا نخواهد کرد و بر فشارهای خود برای وادار ساختن جمهوری اسلامی به تبعیت از سیاست های منطقه ای خود ادامه خواهد داد. جمهوری اسلامی نیز این موضوع را خوب می داند و به همین دلیل در برابر پذیرش قطعنامه شورای امنیت مقاومت می کند. پذیرش قطعنامه، در اساس نه فقط به معنای پایان نقش رژیم به عنوان یک حکومت مذهبی مدعی و مروج پان اسلامیسیم است، بلکه در عین حال به معنای پایان کار جناح حاکم نیز هست که کم ترین اثر بلاواسطه آن، جابه جایی در ترکیب هیئت حاکمه کنونی است که این نیز بدون تشنج و تلاطم نخواهد بود.

بهار سبز و زیبا، زمستان و فصل سرما را کنار می زند. نوروز و سالی نو از راه می رسد.

سال ۸۵ با همه فراز و نشیب هایش دارد به پایان خود نزدیک می شود. سال نو، در حالی آغاز می گردد که ادامه سلطه جابرانه و ستمگرانه ی جمهوری اسلامی، توده مردم را همچنان در انقیاد و اسارت نگه داشته و در نتیجه سیاست های ارتجاعی و سرکوبگرانه دولت احمدی نژاد، اکثریت عظیم مردم، کارگران، زنان، دانشجویان، معلمان و دیگر اقشار زحمتکش مردم ایران با فشارها و تضيیقات فزاینده و متعدد مادی و معنوی روبرو هستند. سیاست های اقتصادی رژیم در سال ۸۵، جدا از سیاست های پیشین آن یعنی سیاست های نئولیبرالی نبود. با تأکید مؤکد خامنه ای بر واگذاری بنگاه ها و مؤسسات کلیدی دولتی به بخش خصوصی، خصوصی سازی و به تبع آن اخراج و بیکار سازی کارگران در ابعاد گسترده تری ادامه یافت. صدها هزار کارگر، بیکار و بلا تکلیف شدند. نرخ تورم و گرانی، به طور افسار گسیخته و سرسام آوری افزایش یافت. قدرت خرید کارگران و زحمتکشان کاهش یافت. بر فاصله میان هزینه ها و دستمزدها افزوده شد. مردم، فقیرتر و شکاف طبقاتی عمیق تر شد. احمدی نژاد که بایک رشته وعده های فریبکارانه در زمینه بهبود وضعیت اقتصادی و آوردن پول نفت به سر سفره مردم، بر سر کار آمده بود، به فوریت در نزد معدود کسانی که ممکن بود به این دروغ ها توهمی داشته باشند، رسوا شد. در سال ۸۵ نه تنها کمترین بهبودی در وضعیت اقتصادی مردم ایجاد نشد، بلکه وضعیت اقتصادی و معیشتی توده های کارگر و زحمتکش، روز به روز وخیم تر و صفوف میلیونی کارگران و اقشار زحمتکشی که در زیر خط فقر زندگی می کنند، سنگین تر و مترکم تر شد.

سال ۸۵، در عرصه مسائل سیاسی، از این هم وحشتناک تر و فاجعه بارتر بود. بعد از شکست و ناکامی «اصلاح طلبان» در تعدیل تضادها و حل بحران و روی کار آورده شدن جناح احمدی نژاد، رژیم چنین تصور می کرد که با تشدید سرکوب و خفقان و حذف رقبای جناح تازه به قدرت خزیده از مراکز و پست های حساس دولتی، می تواند این تضادها را تعدیل و بحران های موجود را حل کند. از همین رو، توأم با در پیش گرفتن یک سیاست تشنج زا در عرصه خارجی، به تشدید اختناق و سرکوب در عرصه داخلی پرداخت. اعتراضات کارگری، با خشونت مورد یورش نیروهای امنیتی و نظامی قرار گرفت. دهها کارگر به جرم تجمع و طرح مطالبات خود ویا به دلیل ایجاد تشکل مستقل کارگری، مورد ضرب و شتم قرار گرفتند، از کار برکنار شدند و یا بازداشت و روانه زندان شدند. دهها کارگر پیشرو و فعال جنبش کارگری، به دادگاه احضار شدند و مورد ارباب و پیگرد دستگاه امنیتی رژیم قرار گرفتند. در ادامه سیاست های ضد کارگری رژیم، سرانجام پس از شانزده سال، وزیر کار احمدی نژاد، قانون کار را به زیان کارگران و به نفع سرمایه داران و در راستای تشدید استثمار و بی حقوقی کارگران، تغییر داد.

در سال ۸۵، حرکت های اعتراضی زنان و معلمان نیز، بارها و بارها مورد یورش وحشیانه نیروهای نظامی- امنیتی و لباس شخصی ها قرار گرفت. دهها تن از فعالان جنبش زنان و معلمان، مورد ضرب و شتم قرار گرفته و روانه زندان شدند. رژیم ارتجاعی و زن ستیز جمهوری اسلامی، در همان حال که به کوشش های مذبحخانه خود برای پیاده کردن طرح های جنیدی جهت پابمال کردن بیش از پیش حقوق زنان، برای تحکیم و تقویت نابرابری جنسیتی و قوانین تبعیض آمیز علیه زنان ادامه داد، از پذیرش مطالبات معلمان باز هم امتناع ورزید.

دانشگاه ها و مراکز دانشجویی نیز از تعرضات ارتجاع حاکم مصون نماندند. کابینه نظامی- امنیتی احمدی نژاد و وزارت علوم آن، به تعویض مقامات و رؤسای دانشگاهها و برکناری برخی اساتید اکتفا نکرد. بلکه با ابداع دانشجوی ستاره دار، سیاست سرکوبگرانه فعالین جنبش دانشجویی را تشدید نمود و دخالت های پلیسی- جاسوسی خود را از طریق ارگان های بسیجی- امنیتی در دانشگاه، در ابعاد وسیعی گسترش داد. صدها دانشجو به مراکز

## مبارزات کارگران جهان در ماهی که گذشت

برای دفاع از منافع کارگران، بلکه ابزاری برای سرکوب جنبش این طبقه محسوب میشوند. این شرایط تحرک عظیمی را در صفوف کارگران ایجاد کرده و برغم ممنوعیت هر گونه تشکل و اتحادیه‌ها، اکنون صحبت از ایجاد اتحادیه مستقل کارگری در میان است. در آخرین روزهای سال ۲۰۰۶، بیش از ۱۸ هزار بافنده در کارخانه "ملحه" دست به اعتصابی نامحدود زده و با اشغال کارخانه، خواستار رسیدگی فوری به مطالبات خود شدند. این مبارزات در ماههای آغازین سال ۲۰۰۷ هم ادامه یافت. در اواسط ماه فوریه، بیش از ۳۵ هزار کارگر بافنده چند کارخانه را به اشغال خود درآوردند و خواهان افزایش دستمزدها و روشن شدن وضع خود پیش از فروش این کارخانجات به سرمایه داران خصوصی شدند. اغلب این اعتصابات با پیروزی کارگران خاتمه یافت. به نظر می رسد که مقامات دولت مصر در تلاشند تا روند خصوصی سازی صنایع دولتی این کشور با کمترین مقاومت کارگران مواجه شود. اما همه می دانند که اخراج و فقدان امنیت شغلی از نخستین پیامد های واگذاری این کارخانجات به سرمایه داران خصوصی خواهد بود.

در ماه گذشته نیز سرمایه داران دشمنان خود را از یاد نبرده و قتل و کشتار فعالین کارگری و مخالفین دولتی بدون وقفه و همچون گذشته ادامه یافت. روز جمعه ششم ماه فوریه، والتر مندوزا و نورما سانتان از فعالین "فدراسیون اتحادیه مستقل کارگری" گواتمالا هدف گلوله افراد ناشناس قرار گرفته و به قتل رسیدند. به گفته "کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری"، امکانات مالی و تدارکاتی "جوخه های مرگ" از سوی دولت تامین می شود و نتیجه این حمایت های پوشیده قتل نزدیک به ۶ هزار نفر از مخالفین دولت در سال ۲۰۰۶ بوده است. روز ۷ فوریه هم، جانین با صورت های پوشیده، به منزل مسکونی "کارمن سانتوز"، از رهبران "اتحادیه کارگران کشاورزی کلمبیا"، یورش برده و او را در برابر سه کودک خود به قتل رساندند. "کارمن" تنها ۲۸ سال داشت و از او کودکی با رنج و زحمت آشنا شده بود. دو سال پیش هم همسر وی با گلوله همین جوخه های مرگ و تنها به جرم دفاع از منافع هم زنجیران خود، به قتل رسید. با قتل "کارمن" شمار کارگرانی که به جرم عضویت در "اتحادیه کارگران کشاورزی" هدف گلوله قرار گرفته و به قتل رسیدند به ۴۳۵ نفر رسید. روز شنبه، پنجم اسفند هم، "هو واتی" یکی از رهبران اتحادیه کارگران بافنده در کامبوج به قتل رسید. هو واتی، خسته از کار شبانه راهی خانه خود بود که هدف گلوله دو موتور سوار قرار گرفت. مبارزات کارگران بافنده کامبوج در سال های اخیر اوج بی سابقه ای یافته است. تنها در دو سال گذشته کارگران دست به برپائی ۶۰۰ اعتصاب زده و برغم پیگرد و آزار فعالین کارگری، هیچ نشانی از توقف مبارزه نیست.

حضور فعال جریانات ضد جنگ است. اکنون می توان از یک وحدت عمل میان اتحادیه های کارگری و جریانات ضد جنگ صحبت به میان آورد. در میان نام صد ها سازمان و گروهی که به مناسبت چهارمین سالروز اشغال خاک عراق به دست ارتش ائتلاف امپریالیستها، در تدارک بر پائی تظاهرات ضد جنگ در سراسر جهان در روز ۱۷ مارس هستند، نام صد ها اتحادیه کارگری به چشم می خورد. به گفته فعالان کارگری در آمریکا، با این وحدت طبقه کارگر آمریکا به تبلیغات کر کننده طبقات حاکم برای دامن زدن به اختلافات در صفوف کارگران بر پایه رنگ پوست، جنس و تعلقات ملی- منطقه ای دست رد زده و وحدت طبقاتی را جایگزین اختلافات قومی و نژادی نموده است. در همین رابطه هم بود که اواسط ماه فوریه، موجی از تظاهرات ضد جنگ و دفاع از حقوق کارگران مهاجر با شرکت دهها هزار نفر در یکرشته از ایالت های آمریکا به راه افتاد.

در اروپا هم ابراز مخالفت و مقاومت در مقابل سرمایه داران و سیاست های جنگ طلبانه آنها در طول ماه گذشته ادامه یافت. بیش از ۱۵۰ هزار کارگر در اولین روزهای ماه مارس به خیابان های شهر لیسبون، پایتخت پرتغال، آمدند تا با برپائی تظاهراتی، که در ۲۰ سال گذشته بی سابقه بود، علیه خصوصی سازی و کاهش خدمات رفاهی دولتی دست به اعتراض بزنند. در اواسط ماه فوریه بیش از ۲۰۰ هزار نفر مخالف جنگ در ایتالیا ضمن مخالفت با گسترش پایگاه ارتش آمریکا در شهر "ویچنزا"، خواستار خروج فوری سربازان ارتش اشغالگر امپریالیستها از خاک عراق و پایان دادن به کشتار مردم زجر دیده این کشور شدند. در همین روزها و با پخش خبر مربوط به ایجاد پایگاههای ارتش آمریکا در جمهوری چک و لهستان، مخالفین جنگ و حضور سربازان آمریکا در نقاط مختلف جهان، با برپائی تظاهرات و راه پیمائی، مخالفت خود را به نمایش گذاشتند. در خاورمیانه و درمیان جنگ و کشتار، مبارزات کارگران برای بهبود شرایط کار و زندگی خود بی وقفه ادامه یافت. برجسته ترین نمونه در طول ماههای گذشته، بدون شک مبارزات دهها هزار کارگر بافنده در مصر است. صنایع بافندگی مصر، با هزاران کارگر، در آستانه خصوصی سازی کامل قرار دارد. وزیر تجارت این کشور در روزهای آغازین سال جاری مسیحی اعلام نمود که تا پایان امسال، حداقل ۱۰۰ کارخانه باید به سرمایه داران خصوصی واگذار شود. اتحادیه های کارگری این کشور تحت کنترل کامل سازمان امنیت این کشور قرار دارد و رهبران این اتحادیه ها از سوی دولت انتخاب و به کارگران تحویل می شوند. در واقعیت امر این اتحادیه ها نه ارگانی

۹۸ امین سالروز هشت مارس، روز جهانی زن، امسال برگزار شد. در این روز میلیونها زن، در صد ها کشور جهان به خیابان ها آمدند و مخالفت خود علیه تبعیض جنسی را به نمایش گذاشتند. یکی از ویژگی های هشتم مارس امسال، حضور هزاران زن کارگر در صفوف تظاهر کنندگان بود که خواستار بهبود شرایط کار و زندگی خود بودند. این در حالی است که به گفته سازمان های بین المللی، اکنون بیشترین تعداد زن در جهان به کار اشتغال دارند، اما شکاف فاحش میان امنیت شغلی، دستمزدها و آموزش های حرفه ای میان زنان و مردان کارگر، موجب شده که فقر "زنانه" شود و تعداد هر چه بیشتری از زنان کارگر با فقر به زندگی ادامه دهند. در حال حاضر، نزدیک به ۱/۲ میلیارد نفر از ۲/۹ میلیارد نفر کارگر جهان را زنان تشکیل می دهند، با این وجود در حال حاضر نزدیک به ۸۲ میلیون نفر زن درمرز فقر و گرسنگی و با دستمزدی کمتر از دستمزد مردان برای کار مشابه، دشوار ترین کارها را در بخش های کشاورزی و خدمات به عهده دارند. سازمان جهانی کار در سال ۲۰۰۴ طی گزارشی تحت عنوان "روند های جهانی اشتغال زنان" گفته بود که ۶۰ درصد از "کارگران فقیر"، یعنی کارگرانی که دستمزد آنها، برغم ساعت ها کار طاقت فرسای روزانه، کفاف زندگی آنها را نمی کند، زنان هستند. این سازمان در گزارش امسال خود می گوید "دلایلی وجود ندارد که تصور شود وضعیت زنان فقیر کارگر از گزارش منتشر شده در سال ۲۰۰۴ بهتر شده باشد". مجموعه این شرایط بود که رنگ و بوی کارگری هشت مارس امسال را افزایش داد. در کشورهای بخش عقب مانده جهان سرمایه داری نظیرزیمبابوه، کلمبیا، ایران، سودان و صد ها کشور دیگر و برغم ممنوعیت هر گونه تجمع و اعتراض جمعی، صد ها زن و مرد این روز را گرمی داشتند و در کشورهای بخش پیشرفته سرمایه داری نیز هزاران زن، بویژه زنان کارگر مهاجر، با برپائی راه پیمائی و تجمعات بر حقوق خود پای فشرده و خواستار رفع تبعیض جنسی در بازار کار شدند.

در اواسط ماه فوریه در آمریکا، بیش از ۱۰ هزار کارگر رنگین پوست، برغم سرمای گزنده زمستان شهر نیویورک، با شعار "کار، خدمات بهداشتی، امکانات آموزشی و نه به جنگ" در خیابان های مرکزی این شهر دست به راه پیمائی زده و در یکی از میدان های مرکزی آن تجمع نمودند. این گردهم آئی قطعنامه ای را برای وحدت میان میلیونها کارگر مهاجر و کارگران آمریکا در ۱۴ ماده به تصویب رساند که باید پایه کار فعالین کارگری قرار گیرد. بدون شک یکی از نکات قابل توجه در حرکات اعتراضی کارگران آمریکا در هفته های اخیر

## با شما باد آتشین سوگند، با شما باد آتشین پیوند

### نوروز، بر کارگران و زحمتکشان مبارک باد!

#### کارگران، زحمتکشان و روشنفکران انقلابی!

هیچیک از دوگزینه ای که در برابر رژیم قرارداده شده است به نفع آن نیست. جمهوری اسلامی هم اکنون به شدت در تنگنا قرار گرفته است. با توجه به وضعیت کنونی رژیم و روندی که در یک سال گذشته، چشم انداز سال آینده، جز وخیم تر شدن اوضاع اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی نخواهد بود. مرتجعین حاکم چه در عرصه مسائل داخلی و چه در زمینه مسائل بین المللی با دشواری های متعددی دست به گریبان اند. آسیب پذیری جمهوری اسلامی به شدت افزایش یافته و رژیم در یکی از ضعیف ترین مراحل حیات خویش بسر می برد. باید مبارزه علیه این رژیم را تشدید کرد. با گذشت نزدیک به سه دهه از حاکمیت ارتجاع اسلامی، اکنون این واقعیت بر همگان آشکار شده است که با وجود این رژیم، هیچ گونه بهبودی نه در وضعیت اقتصادی و معیشتی توده مردم و نه در زندگی سیاسی و اجتماعی آن ها صورت نخواهد گرفت. مادام که شما کارگران و زحمتکشان طومار این رژیم ارتجاعی را در هم نیچپیده و حکومت شورانی خود را مستقر نساخته اید، اوضاع بر همین منوال خواهد بود. رشد و گسترش اعتراضات، اعتصابات و مبارزات کارگران، معلمان، زنان و دانشجویان، بیانگر چیز دیگری جز این نیست که شما توده های مردم ایران به مبارزه ای مصممانه برای سرنگونی رژیم روی آورده اید. اعتراضات و اعتصابات پراکنده کنونی را باید به اعتصابات متشکل و سراسری تبدیل نمود و به اشکال عالی تر مبارزه ارتقاء داد. رژیم جمهوری اسلامی را باید بایک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه بر انداخت. با امید به فرا رسیدن چنین روزی، نوروز را به شما کارگران و عموم زحمتکشان تبریک می گویم.

#### سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

#### برقرار باد حکومت شورانی

#### سازمان فدائیان (اقلیت)

اسفند ۱۳۸۵

کار - نان - آزادی - حکومت شورانی

بر سنگ فرش خیابان، در کویر و جنگل و دشت، در فلات و خلیج و خزر، و در تمامی گستره ای ایران، نقش بسته است. اینک در سالروز جان باختگان فدائی، با شما، یاران سر بلند، با شما، رفقای به خون تپیده ای، مان، عهد دوباره می بندیم، تا سرنگونی رژیم جهل و جنون و جنایت، تا نابودی ستم و استثمار، در پیشاپیش کارگران، زنان، معلمان، دانشجویان و زحمتکشان ایران، لحظه ای از پای ننشینیم، و در تداوم رزم انقلابی، پرچم سرخ رهائی را، تا رسیدن به آزادی، برابری و سوسیالیسم، بر زمین نگذاریم. با شما باد آتشین سوگند، با شما باد آتشین پیوند.

خانه ی مردم، ماندگار خواهد بود. اینک، که حامیان ستم، دلقکان سرمایه، پیرایش گران "شاه" و "شیخ"، مرگ تو را، در آوای شوم خود، تکرار می کنند، نام تو همچنان، مشعلی ست، بر فراخای کشور ایران. و نام مسعود و بیژن و پویان، در یادمان پایداری بیشمار یارانمان، چون سعید و سیامک، منیژه و بهکیش و نسترن، هم اینک، در آوردگاه انقلاب کارگران، بر بستر رزم توده های تحت ستم، ققنوس وار به زایش دوباره نشسته است. از رستاخیز سیاهکل، تا اسفند ماه شصت، و پس از آن، تا به امروز، یاد یارانمان، در زمهریر زمستان، در سردی بهمن و اسفند، همچون بنفشه های بهاری، همواره گل داده اند، و با خود "زمستان شکسته" اند.

در روند بی امان مبارزه ی طبقاتی، پیگیری، استواری و ماندگاری رفقای دیروز و امروزمان، در مقابل حامیان رنگارنگ سرمایه، پرچم داران سازش طبقاتی، که پیوسته تلاش می کنند تا، "با اتکاء به ساعت شماطه دار خویش، بیچاره خلق را متقاعد کنند، که شب از نیمه نیز بر نگذشته است"، همچنان امید به بهاران را، در اندیشه ی طبقه کارگر و زحمتکشان کشورمان، قوام می بخشد. یاد رفقایمان و خاطرات بر جای مانده از آنان، در روایت ایثار، فداکاری، از خودگذشتگی، صداقت، ایمان و باورشان به نیروی توده ها، در به ثمر رساندن انقلاب آتی کارگران و استقرار سوسیالیسم، همچنان روایت ماندگاری زندگانی ماست. روایتی که از شمیم رایحه اش، "در خانه ها زیر پنجره، گل می دهد یاس پیر".

روایت ماندگار زندگانی یارانمان، در پای فشردن بر صداقت مبارزاتی، خصایل کمونیستی و همدلی با توده های تحت ستم، روایتی ست که، دیگر باره، بر تارک جنبش کمونیستی ایران، باید نشاندن شود. و شهادت آنان، در از خودگذشتگی، فداکاری و "فدائی وار" زندگی کردن، در جلوه های رزم مشترک، پرچمی ست که اینک، جنبش کمونیستی ایران، سخت بدان نیازمند است و در به اهتزاز نگه داشتن آن، پیگیرانه می بایست، همت گماشته شود.

بیست و پنجم اسفند، سالروز جان باختگان فدائیان اقلیت، یاد آور نزدیک به چهل سال تلاش، پایداری، استقامت و تحمل شرایط نابرابر مبارزه، در دو رژیم دیکتاتوری "شاه" و "شیخ" می باشد. یاد آور مبارزات بی امان فدائیان، با مزدوران رژیم سرکوبگر سلطنتی، در گستره ای کوه و خیابان و کارخانه است. یاد آور شکوه استقامت یارانمان، در روزهای پر تلاطم داغ و درفش و شکنجه است. آنگاه که مزدوران ساواک، برای زنده دستگیر کردن رزمندگان فدائی، فرمان می دادند، "به پاهایشان شلیک کنید". و پس از آن، در رژیم جهل و جنون خمینی نیز دیدیم، چگونه رفقایمان را دزدیدند، شکنجه کردند، و نعش شان را، در کنار جاده افکندند، و باز دیدیم، چگونه جانباختگان، بیکر به خون تپیده ای یارانمان را، به ماشین بستند و بر سنگفرش خیابان کشانند. و این سان، روایت سرخ فدائی، از رستاخیز سیاهکل تا به امروز،

به وظیفه انقلابی خود در قبال طبقه کارگر عمل کردند، دلاورانه با خصم طبقاتی جنگیدند و به خاطر دفاع از آرمان های کمونیستی خود، جان باختند.

بیست و پنج اسفند؛ روز یاد یاران، روز جان باختگان ماندگار، روز جانفشانی فدائی، روز به خون تپیدن ستاره های تابناک جنبش کمونیستی، می باشد. روزی که کادر رهبری فدائیان اقلیت، رفقا، هادی، کاظم، نظام، بر سنگفرش خیابان شکفته شدند. این روز یاد آور خاطره تمامی جانفشانی ست که، به مبارزه علیه ستم بپا خاستند، خروشدند، پیکار کردند، به رگبار بسته شدند، در زندان ها، در خانه های امن نفس گیر، زیر شکنجه، حماسه آفریدند، تا پیام آزادی، برابری و سوسیالیسم را، در وسعتی به گستره ایران با پرچم جان، بر افرازند. و شگفتا در این مسیر چه بی دریغ بودند.

از رستاخیز سیاهکل، که با رزم قهرمانانه ای فدائیان، در تمامی گستره ای ایران، "زنگ بزرگ خون به صدا در آمد و طوفان شکوفه داد"، تا به امروز، شط جاری فدائی، همچنان استوار به پیش می تازد، می رزمند، پیکار می کند، و با فداکاری، از خود گذشتگی و رزم مشترک، در تعمیق و شفافیت بخشیدن به روند مبارزه طبقاتی، پر خروش تر از پیش، گام بر می دارد.

از رستاخیز سیاهکل تا قیام بهمن ماه، از قیام بهمن، تا روزهای به خون تپیدن سروهای ماندگار فدائی، در اسفند ماه ۶۰، و پس از آن، تا به امروز، در این مسیر نا هموار، در میانه ای اشک و آتش و خون، در تلاطم گلوله و رگبار، رفقایمان اگر چه، به داغ و درفش و بند کشیده شدند، اما، استوار ایستادند. در آوردگاه نابرابر مبارزه ی طبقاتی، اگر چه در سپیده دمان، یارانمان بر سر دار شدند، اما، سر فراز ماندند.

آنان در خیابان و کارخانه، در جنگل و مزرعه جنگیدند، پیکار کردند، "جزیره ی ثبات" رژیم پادشاهی را در توفان تندر خود، فرو بردند، در خیمه گاه رژیم خمینی وحشت افکندند و با استقامت خویش، در شکنجه گاه های اوین و قصر، قلعه و قزل، حماسه آفریدند، و در خانه های امن شکنجه، در غربت غریبانه خود، جان باختند، اما از پای نیفتادند. آنان جلوه های زندگانی را، در رهائی کارگران و توده های تحت ستم، به تصویر در آوردند. زیبایی و عشق را، بر سفره زحمتکشان تفسیر کردند و ماندگاری انسان را، در تجسم بخشیدن به سوسیالیسم، بر ویرانه های سرمایه، ترانه می خواندند.

از رستاخیز سیاهکل، تا به امروز، هر گوشه از خاک کشور ایران، با خون رفقایمان، با یاد و نام یارانمان، آذین گرفته است. از جنگل و کویر، تا سنیق قله های بلند، از فلات و دشت، تا آب های نیلگون خزر، از خلیج، تا بلندای سهند و سیلان، از مغان تا دشت ترکمن، هر جا که بنگری، یاد رفقایمان، شراره ای ست بر خرمن حامیان ستم. و خروش تندر آسایشان، همچون لهیب خشم کارگران، طنین زحمتکشان و فریاد توده های تحت ستم، تا سپیده دمان انقلاب کارگران، بر بام



## امسال روز جهانی زن روز دیگری بود

برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد را سر دادند.

آنان در این تجمعات، آزادی و برابری را خواستار شده و رهایی زنان را رهایی جامعه دانستند. آنان شعار اتحاد زنان و معلمان، کارگران و دانشجویان را سر دادند. آنان خواستار لغو پوشش اجباری زنان شدند. در بسیاری از شهرها نیز زنان و مردان آزادی خواه پا به پای یکدیگر این روز را گرامی داشتند. در سقز و سنندج تعدادی دستگیر شدند. در تهران و در روزی که بیش از ۴۰ هزار معلم که بخش قابل توجهی از آنان را زنان تشکیل می دادند، در اعتراض به وضعیت معیشتی خود، در جلوی مجلس "نظام مقدس" تظاهرات کردند، زنان نیز به مناسبت ۸ مارس جمع شدند و این هر دو، مورد تهاجم افسار گسیخته ی سپاه پوشان پاسدار قرار گرفتند.

در دانشگاه تهران، جایی که ۱۶ آذر امسال پیام جدیدی برای جنبش انقلابی و حکومت ارتجاعی داشت، پیام خود را تکرار کرد و این بار به مناسبت روز جهانی زن. و چه زیبا تظاهرات خود را با سرود "انترناسیونال" پایان دادند.

**برخیز ای داغ لعنت خورده  
دنیای فقر و بنده گی  
جوشیده خاطر ما را برده  
به جنگ مرگ و زنده گی  
باید از ریشه براندازیم  
کهنه جور و بند  
وانگه نوین جهانی سازیم  
هیچ بوده گان هر چیز گردند.**

آری باید نظم کهنه را از ریشه برانداخت. آری زنان تنها در اتحاد با کارگران، معلمان، دانشجویان و با برانداختن نظام پوسیده سرمایه داری و روبنای فوق ارتجاعی جمهوری اسلامی و جایگزینی حکومت شورایی و سوسیالیسم می توانند به خواست برابری زن و مرد، آن هم نه تنها از نظر حقوقی، بل که در تمامی عرصه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تحقق دهند.

در این راه هر سیاستی که می خواهد جنبش زنان را به عقب برگرداند و این جنبش انقلابی را آویزه ی دست شکست خورده گان اصلاح طلب و غیره کند، محکوم به شکست است. همان طور که در جنبش دانشجویی تجربه شد.

غیره را ندارند. حق ندارند قضاوت کنند، چرا که در "نظام مقدس" قضاوت کاری مردانه است. حق ندارند در دادگاه ها "شهادت" دهند. حق ندارند از خود در برابر مرد متجاوز دفاع کنند، چرا که در این صورت مجازات شان "اعدام" با طناب دار است. در "نظام مقدس" و بر روی هر درب ورودی، برای زنان یک تابلوی ممنوع است، قرار دارد.

نظامی که حتا جسم زن را معادل نیمی از مرد می داند. نظامی که زنان را تنها در جسم شان خلاصه می کند. "زن" که حتا اختیار جسم اش را ندارد و این جسم با خطبه ای که یک آخوند خبیث می خواند و از این راه ارتزاق می کند، در اختیار یک مرد قرار می گیرد. و مرد اینک صاحب و مالک آن جسم است. جسمی که حق عاشق شدن ندارد. از همین روست که طرح محدودیت ورود زنان به دانشگاه ها، در مجلس "نظام مقدس" مطرح گشت. در "نظام مقدس" زن صاحب اختیار خویش نیست.

در "نظام مقدس" عشق برای زنان ممنوع ست: عاشقی بد است! از بد هم بدتر است! باید در خانه بنشین تا یکی پیدا شود و درب خانه را بزند. آن گاه او با مبلغی که اسم اش را "مهریه" نامیده اند، با پدر تو وارد معامله می شود و "تو" را می خرد. "تویی" که "زن" هستی!

خندیدن ممنوع! مگر دختر هم می خندد! نباید در انظار بخندی! خنده هایت را باید پنهان کنی و شادی هایت را!

ختنه زنان، چیزی که حتا در بخش هایی از ایران نیز وجود دارد، ماحصل همین تفکر است و اگر "نظام مقدس" جرات داشت، ختنه زنان را نیز اجباری می کرد. چرا که "نظام مقدس" تنها "تسلیم پذیری" زن را می خواهد و دیگر هیچ و اما!

۸ مارس، روز جهانی زن، روز دیگری بود. زنان فریاد زدند: "ما نمی خواهیم این نظام مقدس را! ما نمی پذیریم سلطه مرد را!"

امسال روز جهانی زن، روز دیگری بود.

در این روز و روزهای قبل از آن، تجمعات و تظاهرات بسیاری برگزار شد. دانشگاه تهران، دانشگاه صنعتی و بسیاری دیگر شاهد خروش زنان و مردان آزادی خواهی بودند که شعار

امسال روز جهانی زن، روز دیگری بود. روز دیگری هم چون اول ماه مه و ۱۶ آذر سال ۸۵. امسال روز جهانی زن، فریاد زنان بلند بود. فریاد آزادی، فریاد برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد.

از روزها قبل از ۸ مارس (۱۷ اسفند)، حکومت زن ستیز جمهوری اسلامی، خود را برای سرکوب زنان آماده کرده بود.

از روزها قبل وزیر تاریخ اندیش علوم با صدور اطلاعیه ای، برگزاری هر گونه مراسم تا ۸ مارس را در دانشگاه ها ممنوع اعلام کرده بود. اطلاعیه ای که با برگزاری مراسم گوناگون از طرف دانشجویان - به مناسبت ۸ مارس - معلوم گشت به هیچ درد نمی خورد.

اطلاعیه ای که نشان داد نه حرف رژیم در دانشگاه ها خریداری دارد و نه رژیم با این ابزارها می تواند دانشجویان را از اعتراضات شان باز دارد.

امسال روز جهانی زن، روز دیگری بود. روزی که نشان داد خواست های زنان بسیار فراتر از خواست هایی ست که اصلاح طلبان شکست خورده ی دوم خردادی سعی دارند به زور به خورد جنبش زنان دهند. راه حل هایی که نه تنها جنبش زنان را گامی به پیش نمی برد و در تحقق خواست ها و حقوق از دست رفته زنان تأثیری ندارد، بل که اندیشه نهفته در آن، تنها استفاده ابزاری از جنبش زنان برای تقویت و گسترش نقش اصلاح طلبان در بازی های قدرت است. سیاستی که جنبش زنان را تنها به عقب بر می گرداند. سیاستی که حتا جرات ابراز مخالفت با حجاب اجباری را ندارد. نگاهی به خواست ها و شعارهایی که در مراسم های گوناگون ۸ مارس در دانشگاه ها برگزار شد و خواست های اعلام شده از زنان اصلاح طلب دوم خردادی و نیز بانیان کمپین یک میلیون امضا، شکاف عمیق بین خواست های جنبش زنان و آن ها را آشکار می سازد.

کمپین یک میلیون امضا، در شرایطی از زنان خواست و می خواهد که بار دیگر به اصلاح طلبی و اصلاح طلبان روی خوش نشان دهند که جنبش کارگری و دانشجویی مدت ها پیش از آن گذر کرده است.

امسال روز جهانی زن، روز دیگری بود. روزی که زنان فریاد زدند: "دیگر بس است! ما نمی خواهیم زن بودن جرم محسوب شود". آن هم در نظامی که در طول این سال ها همواره سعی کرده زنان را به قرن ها پیش برگرداند. نظامی که زنان را در جامعه سپاه پوش می خواهد.

در این "نظام مقدس" زن به جرم زن بودن اش باید دستمزدی به مراتب کمتر از مرد دریافت کند.

در "نظام مقدس" زنان به جرم زن بودن شان، حق نگهداری و سرپرستی فرزندان شان را ندارند. حق مسافرت بدون اجازه شوهر، پدر و

**۲۸ سال از انتشار مستمر نشریه کار سپری شد**

**بیست و نهمین سال انتشار**

**نشریه کار را**

**با ایمان به پیروزی پرولتاریا آغاز می کنیم**

**زنده باد سوسیالیسم**

## چشم‌انداز تیره اوضاع اقتصادی در آینه بودجه سال ۸۶

لایحه بودجه که روز آخر بهمن ماه در اختیار مجلس قرار گرفت، هنوز در مجلس ارتجاع دست بررسی است. علیرغم انتقادات شدیدی که از جانب جناح مخالف احمدی نژاد، و همچنین نمایندگان نزدیک به گرایش رئیس جمهور به لایحه بودجه شد، کلیت لایحه هر چند با آرای پائینی به تصویب مجلس رسید. جالب توجه این است که بر سر بحث های اساسی بودجه مثل تعیین رقم درآمد نفت در سال ۸۶، نرخ فروش دلار و غیره، جلسات مجلس به حد نصاب نمی‌رسید. به طور نمونه، هنگام بحث بر سر نرخ دلار، بیش از ۱۰۰ تن از ۲۸۸ نماینده مجلس در جلسه حضور نداشتند و رئیس مجلس برای اینکه بتواند جلسه را به حدنصاب برساند، خروج نمایندگان از صحن مجلس را ممنوع کرد. این نحوه برخورد نمایندگان به سندی که گویا قرار است تکلیف درآمد و هزینه‌های دولت در سال آینده، قیمت کالاهایی که در انحصار دولت است، بارانه‌هایی که به اقتضای کم درآمد قرار است داده شود و...، به خودی خود نشان می‌دهد که این مباحث تا چه حد فورمالیته و بی‌محتواست. به هر ترتیب، بحث کلیات پایان یافته و اکنون بحث بر سر جزئیات بودجه در جریان است.

در رابطه با کلیت بودجه، مجلس مبلغ کل بودجه سال آینده و بودجه عمومی دولت را افزایش داد. یکی از مباحث جنجالی، بحث تعیین بهای بنزین بود. بنزین قرار است در سال آینده سهمیه‌بندی شود و بهای آن نیز افزایش یابد. پس از مدت‌ها بحث، بهای بنزین برای سال آینده به لیتری ۱۰۰ تومان افزایش یافت و قرار شد مصرف مازاد با نرخ بازار آزاد به فروش رسد. صرف نظر از تأثیری که افزایش بهای بنزین بر افزایش بهای سایر کالاها و لذا افزایش نرخ تورم برجای خواهد گذارد، دو نرخی شدن بنزین به بازار سیاه و دلالی در توزیع سوخت دامن می‌زند. بهای دلار را برای سال آینده ۸۹۰ تومان تعیین کردند که ۵ تومان از سال جاری کمتر است. نمایندگان مجلس با فروش ۲۰ هزار میلیارد ریال اوراق مشارکت از سوی دولت جهت تکمیل طرح های عمرانی موافقت کردند. همچنین بند (ب) تبصره یک لایحه بودجه ۸۶ تصویب شد که بر اساس آن، همه شرکت های دولتی و بانک های دارای سود ویژه در سال آینده مبالغ تعیین شده و مصوب خود را به سازمان امور مالیاتی کشور پرداخت کنند و از این منبع، مبلغ ۴۱ هزار و ۲۵۱ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال درآمد برای دولت حاصل می‌شود. در عین حال کلیه شرکت های دولتی از جمله شرکت های دولتی و همچنین بانک ها و شرکت های بیمه دولتی به استثنای سازمان بیمه خدمات درمانی و سازمان تامین خدمات درمانی نیروهای مسلح موظف شدند در سال ۱۳۸۶ علاوه بر پرداخت مالیات بر درآمد عملکرد سال ۱۳۸۵ حداقل ۴۰ درصد سود ابرازی (سود ویژه) سال ۱۳۸۵ خود را به حساب درآمد عمومی این قانون واریز نمایند.

یکی از شعبده‌بازی های بودجه در رابطه با شرکت‌های دولتی است. این شرکت‌ها که هر ساله بخش معتدلبه‌ای از درآمدهای دولت را می‌بلعند، نه تنها چیزی به خزانه دولت باز نمی‌گردانند، بلکه هیچ حساب و کتابی پس نمی‌دهند. سالیان

سال است که هر گاه بحث مباحث اقتصادی در مجلس مطرح می‌شود، یکی از گره‌های کور، در پرده ابهام قرار داشتن میزان درآمد، و فقدان حساب رسی شرکت های دولتی است. این شرکت‌ها از بابت همین اقلامی که در بودجه سال ۸۶ قرار است به دولت بپردازند، صدها میلیارد تومان از سال های گذشته به خزانه دولت بدهکارند. حال بر اساس لایحه بودجه سال ۸۶، این شرکت ها بودجه شان ۲۲ درصد افزایش می‌یابد. از سوی دیگر یکی از منابع درآمد بودجه معرفی می‌شوند و این همه در حالی است که برای کاهش نقش دولت در اقتصاد، و اجرای سند چشم انداز ۲۰ ساله و سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی - که این روزها بحث آن در سطح رهبر جمهوری اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت و دولت و مجلس به شدت داغ است- قرار است این شرکت ها به فوریت به سرمایه‌داران بخش خصوصی واگذار شوند و در سال ۸۶، قرار است درآمد دولت از فروش آن ها به ۷ هزار میلیارد تومان برسد. این شعبده‌بازی البته تنها از عهده دولت اسلامی برمی‌آید.

همچنین بودجه‌نویسان و بررسی کنندگان بودجه اصل را بر این گذاشته‌اند که در سال آینده نرخ رشد اقتصاد به ۷ درصد برسد، تورم به ۱۱ درصد کاهش بیابد و نرخ رشد نقدینگی که در حال حاضر بنا به ارقام رسمی از ۳۵ درصد تجاوز کرده، به ۳۰ درصد کاهش یابد. همچنین قرار است بر اساس پیش‌بینی بودجه سال آتی ۶۰۴ هزار شغل جدید ایجاد شود که با این تعداد شغل، به ادعای رژیم نرخ رشد بیکاری در حد ۱۰/۶ درصد باقی بماند.

اما، برای داشتن تصویری واقعی‌تر از اوضاع اقتصاد سال آینده، باید از حساب سازی های بودجه، و ادعاهای سرپا کذب هیات دولت و کابینه در رابطه با ایجاد اشتغال، نرخ رشد، کنترل تورم و غیره صرف‌نظر کرد، چرا که به قول الیاس نادران، عضو فراکسیون اصول‌گرایان مجلس شورای اسلامی "ارقام ارائه شده در لایحه بودجه سال ۸۶ چندان غیرواقعی‌تر از بودجه سال‌های گذشته نیست." با افزایش افسارگسیخته تورم در ماه‌های پایانی سال جاری- زمانی که هنوز سخنی از صرفه‌جویی‌های بودجه سال ۸۶ و افزایش کالاها و خدمات دولتی در میان نیست- روشن است که، این هنوز از نتایج سحر است. دولت در سال آینده به مثابه اصلی‌ترین عامل ایجاد تورم پای به میدان می‌گذارد. قیمت بنزین افزایش یافته و مضافاً این که بنزین جیره‌بندی می‌شود. متوسط قیمت برق، گاز، آب و تلفن افزایش می‌یابد. یارانه سوخت هواپیما حذف شده که بلاواسطه بر بهای بلیط هواپیما تأثیر خواهد گذاشت.

از سوی دیگر، ارقام مربوط به هزینه‌های رفاه اجتماعی نسبت به بودجه مصوب ۸۵ بیش از ۱۰ درصد کاهش نشان می‌دهد. مخبر کمیسیون بهداشت مجلس به خبرگزاری فارس می‌گوید: به رغم برنامه توسعه چهارم که دولت را ملزم به کاهش سهم مردم از هزینه‌های سلامت تا ۳۰ درصد می‌کند، در صورت تصویب لایحه بودجه سهم مردم از هزینه‌های سلامت به ۷۰ درصد در سال آینده افزایش می‌یابد. او می‌افزاید: برآورد

اولیه ما این است که برای حفظ وضع موجود بخش سلامت در سال آینده حداقل با ۶۰۰ میلیارد تومان کسری مواجه هستیم در زمان حاضر ۵۶ تا ۶۰ درصد هزینه‌های سلامت را مردم از جیب خود می‌پردازند اما با توجه به بودجه سال آینده و کمبودهای بخش سلامت در آن سهم مردم از این هزینه‌ها تا ۷۰ درصد افزایش می‌یابد و این امر فشار هزینه‌های سلامت بر دوش مردم و هزینه‌های تحمل‌ناپذیر سلامت را افزایش می‌دهد.

از سوی دیگر، شورای عالی کار هفته گذشته حداقل دستمزد را ۱۸۵ هزار تومان اعلام کرد یعنی رقمی کمتر از نصف درآمدی که برای رسیدن به خط فقر لازم است چرا که بنا بر آمار رژیم، خانواده‌هایی با درآمد ۴۰۰ هزار تومان در ماه، روی خط فقر قرار دارند. از همین روست که حتی افرادی در درون رژیم ناگزیرند اعتراف کنند که در سال آینده فقر و بیکاری به شدت گسترش خواهد یافت. از جمله معاون هدمندی بارانه‌ها و رفاه اجتماعی وزارت رفاه اعلام کرد: امسال ۵/۱ میلیون نفر افراد زیر خط فقر نسبی نیز مشمول دریافت بن اقتضای آسیب‌پذیر شدند که این جمعیت در سال ۸۶، به ۱۲ میلیون نفر افزایش خواهد یافت. باید گفت، امپراتوری اسلامی مورد نظر رژیم، عجالتاً به یک نوانخانه بزرگ شباهت بسیاری پیدا کرده و قرار است این نوانخانه در سال آینده بزرگتر هم بشود.

اما آن چه مسلم است، منابع بودجه در سال آینده نیز باید هزینه لاشه فربه دولت مذهبی و گسترش دستگاه های جاسوسی و پلیسی و هزینه های نظامی حکومت را تامین کنند. بنابراین هیات دولت که برای کوچک کردن حجم دولت، بودجه هزینه‌های جاری را به میزان ۵ درصد کاهش داده و از جمله بودجه رفاه اجتماعی را کاهش داده، بودجه آموزش و پرورش ۲ درصد کاهش پیدا داده، در عین حال ناگزیر بوده برای حفظ اسلام، بودجه برخی ارگان‌ها را افزایش دهد. به ارقام زیر توجه کنید: در بودجه سال آینده ۵۰ میلیارد ریال برای تولید پخش برنامه های تلویزیونی در خصوص "زندگی، اندیشه و مبارزات حضرت امام(ره)"، مبلغ ۴۰۰ میلیارد ریال برای بازسازی بقاع متبرکه اختصاص یافته است. همچنین بودجه نهاد ریاست جمهوری ۱۳/۷ درصد، وزارت اطلاعات ۹ درصد، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور ۱۴ درصد، نیروی انتظامی ۴ درصد، دادگستری ۵ درصد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۲۰ درصد، شورای عالی حوزه علمیه قم ۴۱ درصد، مرکز خدمات حوزه علمیه قم ۱۴ درصد، و سازمان صدا و سیما و جمهوری اسلامی ۲۷ درصد افزایش یافته‌اند.

و این تازه در برگیرنده بودجه های مخفی ارگان های سرکوب نظامی- امنیتی رژیم نیست! (پایان)

### توضیح و تصحیح:

در بخش اول مقاله چشم‌انداز تیره اوضاع اقتصادی در آینه بودجه سال ۸۶ مندرج در نشریه کار ۴۹۶، یک اشتباه تأییدی وجود دارد که به این وسیله تصحیح می‌شود.

سطر اول از پاراگراف آخر مقاله به این شکل صحیح است:

بودجه عمومی دولت، ۶۱ هزار و ۲۶۴ میلیارد تومان است که معادل دلاری آن رقمی حدود ۶۵ میلیارد دلار می‌شود.

## ادعاهای جعلی ارگان وزارت اطلاعات و پرونده سازی برای فعالان جنبش زنان

به خارج از مرزهای کشور وصل اند. با این اوصاف، روشن است که وقتی کسی با پروژه های غیر دولتی سازمان های زنان کار کند که در خارج از کشور هم باشد، این دیگر "رسمادر" استخدام سرویس های اطلاعاتی" در آمده است!!

این اراجیف، دیگر، بیش از آن در میان توده های مردم ایران افشاء شده است که وزارت اطلاعات رژیم بخواد، با توسل به آنها کسی را متهم نماید و یا پرونده سازی کند.

جاسوسی، حرفه کثیف شماسست که از طریق آن زندگی می کنید و نان می خورید و مردم ایران را سرکوب و کشتار می کنید و نه توده های مردم ایران و عضو یک سازمان کمونیست. سازمان فدائیان (اقلیت) تنها علیه شما مبارزه نمی کند. مبارزه ما علیه تمام جهان سرمایه داری ست. شما که صدها فدائی اقلیت را به جوخه اعدام سپردید و هزاران تن را سال ها به بند کشیدید، در عمل دیده اید که عضو و حتا سمپات سازمان فدائیان (اقلیت)، دشمن آشفتی ناپذیر تمام مدافعین ریز و درشت جهان سرمایه داری ست. امثال حسین شریعتمداری که خود زمانی نقش سربازجو را بر عهده داشتند، خوب می دانند که رفقای ما، زیر شکنجه های شما و جوخه های اعدام نیز بر آرمانهای سوسیالیستی خود استوار ماندند. بنابراین، حرف های زیاد تر از دهنتان نزنید.

دوران این اراجیف تمام شده است. نگاه کنید و ببینید که کارگران، دانشجویان، زنان، معلمان به پا خاسته اند، تا رژیم ارتجاعی اسلامی شما رابه همان زباله دانی تاریخ بفرستند که رژیم سلطنتی را فرستادند. آنها به پا خاسته اند که نه به خیال شما در یک به اصطلاح انقلاب نارنجی، سفید، سبز و نرم، بلکه در یک انقلاب سرخ، با تمام پاسداران نظم ستمگرانه حاکم تسویه حساب کنند. این درست همان چیز است که ما برای تحقق آن تلاش می کنیم. تردید نداشته باشید که در جریان این انقلاب، تسویه حساب توده های کارگر و زحمتکش، با شما سگ های هاری که دهها هزار تن از مردم ایران را کشتار کرده اید، بسی سخت تر و قاطع تر از ساواکی های رژیم سلطنتی خواهد بود. امثال شریعتمداری ها، اگر حتا به اندازه حسینی، جلال رژیم شاه، جرأت داشته باشند، از هم اکنون باید اسلحه خود را آماده نمایند که با شلیک یک گلوله به شقیقه خود به زندگی سراپا ننگین و جنایت بار خود خاتمه دهند. راه دیگری برای شما باقی نمانده است. پرونده سازی، دیگر ثمری نخواهد داشت.

جمهوری اسلامی از طریق یک انقلاب است، ایندولوگ کمپینی باشد که خواهان اصلاحات در چارچوب جمهوری اسلامی ست. مسخره تر از این ادعا نیز مسئولیت آموزش های امنیتی کمپین از سوی سازمان ما است که مخالف جدی تمام جریانات طرفدار اصلاح طلبی در چارچوب جمهوری اسلامی ست.

روشن است که تمام این ادعاها، جز یک مشت جعلیات وزارت اطلاعات، به قصد پرونده سازی برای دستگیر شدگان نیست. والا وزارت اطلاعات، مواضع سیاسی فدائیان (اقلیت) را خوب می شناسد.

این جعلیات و تمام اقدامات سرکوبگرانه رژیم علیه زنان، یک بار دیگر صحت مواضع سازمان ما را مبنی بر این که اصلاح طلبی، یک توهم و فریب بیش نیست و برای نجات از شر فجایع جمهوری اسلامی، باید آن را سرنگون کرد، نشان می دهد. ما امیدواریم که همین تجارب چند هفته اخیر، به آن گروه از فعالین زن که بر خلاف زنان بورژوا- لیبرال و بورژوا- مذهبی، منافع شان در حفظ نظام ارتجاعی موجود نیست، آموخته باشند که تحقق حتا کمترین مطالبات آنها در چارچوب نظم موجود، ممکن نیست. باید، به جریان مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی بپیوندند و در جریان یک انقلاب کارگری، و تسویه حساب قطعی با تمام پاسداران کهنه پرستی و ارتجاع، مطالبات خود را عملی سازند.

ارگان وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی، هذیان گوئی های دیگر هم دارد و به اراجیف دیگری هم متوسل شده است. ادعا می کند: مینا سعادی پناهنده سیاسی در هلند، "رسمادر" استخدام سرویس های اطلاعاتی هلند است. "این، دیگر اوج هذیان گوئی وزارت اطلاعات حکومت اسلامی و ارگان آن، کیهان است.

ارگان وزارت اطلاعات، این ادعای خود را از کجا آورده است؟ از همان جا که هر روزنامه نگار، نویسنده، استاد دانشگاه، و کیل دادگستری و دانشجوی مخالفی متهم به جاسوسی شده است، از همان جا که حتا هزاران کارگر شرکت واحد در جریان تشکیل سندیکا و اعتصاب خود به آن متهم شدند. از همان جا که همین چند روز پیش، معلمان را متهم کردند و گفتند که سر جنبانان آنها

با سازمان های اطلاعاتی آمریکا و هلند وهم با سازمان کمونیستی (اقلیت) تکمیل گردد.

پرونده سازی های ارگان وزارت اطلاعات حکومت اسلامی، بیش از آن افشاء شده و رسواست که نیازی به توضیح داشته باشد. فقط برای نشان دادن این واقعیت که در دو سطر که به سازمان فدائیان (اقلیت) اختصاص یافته، کلمه به کلمه آن، جعل آشکار است، به آن می پردازیم. در این نوشته، ارگان وزارت اطلاعات ادعا کرده است:

"چندی پیش فاش شد که مینا سعادی (عضو هیئت اجرایی سازمان کمونیستی فدائیان خلق، شاخه (اقلیت) از ایندولوگ های این کمپین است که مسئولیت آموزش های امنیتی فمینیست های ایرانی را هم برعهده دارد."

توجه کنید! اولاً ارگان وزارت اطلاعات ادعای فاش شدن دارد، حتا نام سازمان ما و ارگان رهبری آن را به درستی نمی داند. نام سازمان ما، سازمان فدائیان (اقلیت) و ارگان رهبری آن، کمیته اجرایی ست. ثانیاً- ادعا شده است که مینا سعادی عضو کمیته اجرایی سازمان ما است.

وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی، کوچک تر و حقیر تر از آن است که بداند، چه کسانی عضو ارگان های رهبری سازمان ما هستند که یک سازمان کمونیست با ارگان ها و فعالیت های مخفی است. همین که، وزارت اطلاعات ادعا می کند، سعادی عضو کمیته اجرایی سازمان است، نشان دهنده بی اطلاعی آنهاست. سعادی عضو کمیته اجرایی سازمان ما نیست و ادعای وزارت اطلاعات جعلی ست. منابع خبررسانی وزارت اطلاعات، اخبار جعلی ارسال کرده اند.

ثالثاً- ارگان وزارت اطلاعات ادعا کرده است که وی ایندولوگ کمپین است. این هم یک ادعای جعلی دیگر.

سازمان فدائیان (اقلیت) به عنوان یک سازمان کمونیست، پیگیرترین مدافع برابری کامل حقوق زن و مرد و رهایی کامل زن است. روشن است که از مبارزه برابری طلبانه زنان حمایت می کند. اما سازمان فدائیان (اقلیت) سرسخت ترین مخالف کسانی ست که بخواهند در مورد جمهوری اسلامی و ارگان های آن توهم پراکنی کنند و چنین القاء نمایند که گویا این رژیم سرتاپا ارتجاعی اسلامی، به خواست ها و مطالبات زنان تمکین خواهد کرد. از همین زاویه بود که نشریه کار، ارگان سازمان ما، در دوشماره پی در پی، ۴۹۲-۴۹۳، دی ماه، سازمان دهندگان کمپین را که گویا ادعا دارند، با جمع آوری یک میلیون امضاء و ارائه آن به مجلس ارتجاع، می خواهند پاره ای مطالبات زنان را متحقق سازند، مورد انتقاد قرار داد و این اقدام را توهم پراکنی نسبت به ارتجاع اسلامی حاکم بر ایران خواند. حالا به تمام معنا مسخره است که ارگان وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ادعا می کند که یک عضو سازمان کمونیست که خواهان برانداختن

### جاودان باد

### خاطره کمون پاریس

### نخستین حکومت کارگری جهان

رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت



## مردم فلسطین در منگنه‌ی ارتجاع اسلامی و سیاست‌های امپریالیستی

یک سال پس از به قدرت رسیدن مرتجعان اسلامی حماس، همان گونه که انتظار می‌رفت و در صفحات نشریه «کار» نیز پیش‌بینی شده بود، بحرانی ژرف فلسطین و اوضاع آن را دربر گرفته است. این بحران فقط خود را به صورت درگیری مسلحانه بین نیروهای حماس و سازمان الفتح و کشته شدن ده‌ها تن از دو سو نشان نمی‌دهد، بلکه حکومت خودگردان را عملاً متلاشی نموده است و به ویژه وضعیت زندگی روزمره‌ی مردم فلسطین را به شدت وخیم کرده، به طوری که آنان اکنون با گرسنگی دست و پنجه نرم می‌کنند. اوضاع به طوری نگران‌کننده شده که حتی «برنامه تغذیه جهانی» اعلام خطر کرده است. این نهاد بین‌المللی که قرار بود در سال ۲۰۰۶ به ۱۳۵ هزار فلسطینی مدرسانی غذایی بنماید با درخواست ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار تن روبه‌رو شد.

اما آیا تلاش‌های صورت گرفته در روزهای اخیر می‌توانند وضعیت فعلی فلسطین را تغییر دهند یا لااقل بحران را تعدیل نمایند؟

گفته شد که نمایندگان الفتح و حماس در نشست‌های که در مکه به ریاست حکومت عربستان سعودی داشتند موفق شدند در روز ۸ فوریه برای تشکیل یک «دولت وحدت ملی» به توافق برسند. پس از این نشست محمود عباس، رئیس‌جمهور حکومت خودگردان به انگلستان و آلمان و در پایان، روز ۲۴ فوریه، به فرانسه سفر کرد و از آن‌ها خواست تا برای پایان بخشیدن به تحریم‌های اقتصادی که سال پیش آغاز شدند و حکومت خودگردان را از کمک‌های مالی محروم نمودند، اقدام نمایند. این دول هم خواستند که دولت جدید فلسطین شروط «کوارتت» - شامل آمریکا، روسیه، اتحادیه اروپا و سازمان ملل متحد - را بپذیرد. شروط اصلی کوارتت مذکور عبارتند از به رسمیت شناختن اسرائیل، پایان بخشیدن به خشونت و پذیرفتن توافقات گذشته بین اسرائیل و سازمان آزادیبخش فلسطین. هر چند دولت‌های اروپایی و روسیه توافقات صورت گرفته بین حماس و الفتح را در مکه گامی به جلو توصیف نموده‌اند اما آمریکا و اسرائیل کامکان خواهان تحریم دولت فلسطین هستند.

بنابراین جلسه‌ای که با شرکت رایس، وزیر امور خارجه آمریکا و المرت، نخست‌وزیر اسرائیل و محمود عباس، رئیس‌جمهور فلسطین روز ۱۹ فوریه در بیت المقدس برگزار شد هدفی به جز رنگ و لعاب زدن به سیاست‌های شکست‌خورده‌ی امپریالیسم آمریکا نه فقط در این نقطه بلکه در کل منطقه‌ی خاورمیانه نداشت. در این اجلاس رایس بی‌شرمانه از «نقشه‌ی راه» سخن به میان آورد، نقشه‌ای که می‌بایستی به تشکیل دولت فلسطین در آغاز سال ۲۰۰۵ در چارچوب مرزهای پیش از جنگ ۱۹۶۷ می‌انجامید! به عبارت دیگر رایس به نوشته‌ای اشاره کرد که تاریخ مصرفش به پایان رسیده و اتفاقاً از همین جنبه نه‌تعهدی برای آمریکا به بار می‌آورد و نه برای اسرائیل، به علاوه همین آقای المرت بارها گفته است که تشکیل یک دولت

فلسطینی بر اساس مرزهای ۱۹۶۷ پذیرفتنی نیست.

رایس به عنوان رئیس سیاست‌های خارجی امپریالیسم آمریکا به بیت المقدس نیامده بود تا گامی برای حل بحران فلسطین برداشته شود. وی آمده بود تا چهره‌ی دیپلماسی امپریالیستی را چنان بزرگ کند تا بلکه اندکی شکست نظامی و سیاسی اش در عراق به دست فراموشی سپرده شود و اعتباری در افکار عمومی داخلی آمریکا کسب گردد. رایس در زمانی به بیت المقدس آمد که پارلمان آمریکا که به دست جناح رقیب افتاده از اختصاص اعتبارات جدید جنگی سر باز زده و حتی گزارش بیکر - همیلتون هم به شکست آمریکا در جنگ علیه عراق اعتراف نموده است. خلاصه این که کاندولیزا رایس که هنوز وزیر امور خارجه آمریکاست برای سر و سامان دادن به وضعیت داخل آمریکا به بیت المقدس آمده بود و نه موضوع دیگری!

تاکنون اطلاعات زیادی از چارچوب توافقات حماس و الفتح در نشست مکه منتشر نشده است اما بعید به نظر می‌رسد که حماس به شرط اصلی کوارتت، یعنی به رسمیت شناختن اسرائیل، گردن گذارد، چرا که در این صورت یکی از دلایل اصلی وجود خود را از میان برمی‌دارد. همان‌گونه که دولت اسرائیل بر یک رشته اهداف نژادپرستانه و دینی پایه گذاری شده است، مرتجعانی همچون حماس نیز برای تحقق یک رشته اهداف پان‌اسلامیستی پدید آمده‌اند. حماس در اجلاس مکه شرکت کرد چرا که این جلسه به همت ولی نعمت آن یعنی عربستان سعودی برپا شد. اکنون همگان خوب می‌دانند که حماس بدون عربستان سعودی و کمک‌های سرشار مالی آن هرگز به تشکیلاتی تأثیرگذار در اوضاع فلسطین تبدیل نمی‌شد.

این که دستگاه دیپلماسی عربستان سعودی در وانفاسی کنونی فعال شده است و حماس را به پای میز مذاکره با الفتح می‌کشاند از این واقعیت برمی‌خیزد که حکومت سلطنتی عربستان سعودی بیش از پیش نگران نفوذ جمهوری اسلامی ایران به عنوان سردار ارتجاع اسلامی در منطقه است. تحریکات اخیر جمهوری اسلامی در رابطه با اسرائیل و دخالت‌های این رژیم در وضعیت فلسطین چنین نگرانی را برای قطب دیگر ارتجاع اسلامی در منطقه یعنی عربستان سعودی به وجود آورده است.

عربستان سعودی از سویی با افزایش تولید نفت از عاملان اصلی کاهش بهای نفت در بازارهای جهانی و محروم کردن جمهوری اسلامی از بخشی از درآمدهایش شده است و اکنون با فراخواندن تشکیلات دوست پرورده خود، یعنی حماس، سودای ربودن گوی دخالت‌گری‌های جمهوری اسلامی را در وضعیت فلسطین در سر می‌پروراند. با این حال به نظر نمی‌رسد که ابتکار اخیر عربستان سعودی برای این که محمود عباس و اسماعیل هنیه بتوانند «دولت وحدت ملی» تشکیل بدهند قرین موفقیت شده باشد یا بشود.

همان گونه که بالاتر اشاره شد، محمود عباس پس از نشست مکه راهی کشورهای اروپایی شد تا از آن‌ها بخواهد به تحریم‌ها پایان دهند. وی همچنین روز ۱۱ مارس برای سومین بار، از ماه دسامبر بدین سو، با المرت، نخست‌وزیر اسرائیل دیدار کرد. این دیدار را باید به حساب توافقات پشت پرده‌ی عباس و هنیه در مکه گذاشت، چرا که حماس انتقادی به مذاکرات عباس و المرت نکرد. رسانه‌های بزرگ رک و راست نوشتند که دیدار اخیر این دو بدون نتیجه پایان یافت. المرت در این دیدار به عباس گفته است که اسرائیل هر گونه دولت فلسطینی را که به شرایط کوارتت گردن نگذارد تحریم خواهد نمود. هر چند حماس در مکه به طور ضمنی پذیرفته است که به «توافقات گذشته» بین اسرائیل و فلسطین احترام بگذارد اما از به رسمیت شناختن اسرائیل - شرط اصلی کوارتت - سر باز می‌زند. البته بعید به نظر می‌رسد که حتی اگر حماس اسرائیل را به رسمیت بشناسد حکومت نژادپرست اسرائیل که از حمایت امپریالیست‌ها و به ویژه امپریالیسم آمریکا برخوردار است به نوبه‌ی خود به تشکیل یک حکومت رسمی فلسطینی تن در دهد. سال‌های سال دولت‌های قدرتمند جهان که از حکومت صهیونیستی اسرائیل حمایت می‌کنند و بر جنایات و تجاوزات بی‌شمار آن چشم برمی‌بندند از الفتح و سازمان آزادی بخش فلسطین خواستند تا حکومت اسرائیل را به رسمیت بشناسند و آن‌ها هم سرانجام چنین کردند اما حکومت فلسطین شکل نگرفت. حامیان اسرائیل مدعی بودند که اگر سازمان آزادی بخش فلسطین اسرائیل را به رسمیت بشناسند، حکومت فلسطین با مرکزیت بیت المقدس شکل خواهد گرفت، نزدیک به ۵ میلیون فلسطینی آواره خواهند توانست به وطن خویش بازگردند و مرز حکومت فلسطین سرزمین‌های پیش از جنگ شش‌روزه‌ی ۱۹۶۷ خواهد بود. اما همین آقای المرت در ماه مارس ۲۰۰۶، هنگامی که برنامه‌ی نمایشی عقب‌نشینی یک‌جانبه‌ی اسرائیل را از سرزمین‌های اشغالی اعلام نمود، به صراحت گفت که اشغال ۳۶٪ کرانه‌ی غربی و بیت المقدس شرقی و دره‌ی رود اردن ادامه خواهد داشت و این یعنی ادامه‌ی اشغال ۵۰٪ از بیست و دو درصد فلسطینی که در زمان یاسر عرفات برای تشکیل حکومت فلسطین مطرح شده بود.

بدیهی ست که در کشاکشی که بین نیروهای ارتجاعی اسلامی در منطقه به وجود آمده است و همچنین سیاست‌های امپریالیستی که توسط ایالت متحده آمریکا و بازوی منطقه‌ایش، اسرائیل، به پیش برده می‌شود بازنده‌ی بزرگ باز هم توده‌های مردم فلسطین هستند. بحران چندین دهه‌ای فلسطین نه می‌تواند با طرح‌های امپریالیستی - صهیونیستی حل گردد، نه با سیاست‌های ارتجاعی اسلامی حماس و امتالهم و نه با زد و بندهای نیروهای همچون الفتح که زمانی قطبی مهم در جنبش آزادی بخش فلسطین بودند. کلید حل این بحران در دست طبقه‌ی کارگر فلسطین و اسرائیل است، تنها این نیروست که می‌تواند با وحدت و اتحاد خود تمام نیروهای ارتجاعی را پس بزند و حق حیات و صلح را برای توده‌های فلسطینی و اسرائیلی ضمانت نماید.

## خلاصه ای از اطلاعیه ها و بیانیه های سازمان

"معلمان به مبارزات خود ادامه خواهند داد!" عنوان اطلاعیه‌ای است که روز ۱۲ اسفند در رابطه با تجمع معلمان مقابل مجلس و برای چندمین بار طی هفته‌های اخیر صورت گرفت. در این اطلاعیه ضمن اعلام خبر این تجمع و خواست‌های معلمان، گفته شده است

"برای تغییر این شرایط نامناسب و غیر قابل تحمل کار و فقری که معلمان در آن به سر می‌برند، اعتراضات آنان از پنج سال پیش آغاز شد. از سال ۸۰ تا کنون، آن‌ها دهها اعتصاب، حرکت اعتراضی و تجمع انجام داده‌اند، ده‌ها تن از آنان در این حرکت‌ها مورد پیگرد قرار گرفته، دستگیر و یا تبعید شده و یا به طرق دیگر تحت فشار قرار گرفته‌اند، اما رژیم علیرغم این تمهیدات، نتوانسته صدای معلمان را خاموش کند.

معلمان خواهان برآوردن مطالبات حقوقی متناسب با سطح تورم، در همه سطوح آموزش و پرورش هستند. آن‌ها تهدید کرده‌اند مادام که لایحه خدمات مدیریت کشوری تصویب و اجرا نشود به اعتراضات خود به اشکال مختلف از جمله حضور در مدارس اما تعطیل کردن کلاس‌های درس، اعتصاب و تظاهرات ادامه خواهند داد. آخرین پاسخ رژیم به خواست معلمان این است که برای تصویب لایحه خدمات مدیریت کشوری که در آن چهارچوب حقوق معلمان افزایش یافته و آنان از حقوقی متناسب با سایر کارکنان دولت برخوردار خواهند شد، ۳۳۰۰ میلیارد تومان کسر بودجه است.

رژیم جمهوری اسلامی در حالی به بهانه کسر بودجه از تحقق خواست‌های برحق معلمان سر باز می‌زند که سالیانه ده‌ها میلیارد دلار را صرف خرید ابزار و آلات جنگی، گسترش دستگاه‌های جاسوسی و نیروهای سرکوبگر خود می‌کند.

در پایان اطلاعیه آمده است: "ما حمایت قاطعانه خود را از خواست و مبارزات معلمان اعلام می‌کنیم و همگان را به پشتیبانی از این حرکت برحق فرا می‌خوانیم."

معلمان مجدداً روز ۱۵ اسفند مقابل مجلس اجتماع بزرگی تشکیل دادند که در آن، علاوه بر هزاران معلم، دانش‌جویان، و بازنشستگان آموزش و پرورش نیز حضور داشتند. در اطلاعیه سازمان "دامنه اعتراضات معلمان گسترش می‌یابد" که در این رابطه منتشر شد، آمده است:

"در اجتماع امروز، معلمان پلاکاردهایی در دست داشتند که از جمله این شعارها روی آن‌ها نوشته شده بود: وزیر بی‌کفایت استعفاء، استعفاء/ مشکل ما حل نشده، مدرسه تعطیل می‌شود/ رسانه‌های کشور انعکاس، انعکاس. رئیس کانون صنفی معلمان، طی این اجتماع به عدم انعکاس اخبار اعتراضات معلمان در رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی شدیداً اعتراض کرد و خطاب به رئیس صدا و سیمای جمهوری اسلامی گفت: تحلیل غلط خود را تغییر دهید، زمان شلیک به مغز اندیشمندان و فرهنگیان گذشته است.

معلمان اعلام کردند در صورتی که به خواست‌هایشان رسیدگی نشود، پنجشنبه هفدهم اسفندماه از ساعت ۸ صبح مقابل مجلس تحصن می‌کنند و از روز شنبه آینده مدارس را تعطیل خواهند کرد.

نکته جالب توجه در تجمع امروز معلمان مقابل مجلس، تجمع همزمان بازنشستگان آموزش و پرورش استان اصفهان بود که آن‌ها نیز خواستار تعیین ردیف در بودجه سال ۸۶ برای اجرایی شدن لایحه مدیریت خدمات کشوری و افزایش حقوق بازنشستگان آموزش و پرورش بودند. یکی از بازنشستگان در حمایت از خواست‌های معلمان گفت: "۹۸ درصد بازنشستگان فرهنگی زیرخطر فقر زندگی می‌کنند، چگونه فرهنگیان می‌توانند در چنین وضعیتی تدریس کنند که وضعیت بازنشستگی آنان مشخص نیست."

اطلاعیه می‌افزاید: "مبارزات معلمان، کارگران و بازنشستگان در شرایطی گسترش می‌یابد

که سطح زندگی بخش عظیمی از توده‌های مردم ایران زیر خط فقر قرار دارد. آنان حتی قادر به تامین هزینه‌های اولیه زندگی خود نیستند. کارد به استخوان رسیده است و ادامه این وضعیت دیگر قابل تحمل نیست.

کارگران و زحمتکشان ایران به خوبی می‌دانند که تنها با اتحاد و گسترش مبارزات می‌توان رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را، که جز سرکوب، کشتار، فقر، گرسنگی و تباهی ارمغانی برای طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش در بر نداشته است، وادار به عقب‌نشینی کرد. مبارزات آنان ادامه خواهد یافت و رژیم را راه گریزی نیست."

روز ۱۳ اسفند، ماموران امنیتی رژیم جمهوری اسلامی به اجتماع مسالمت‌آمیز زنانی که در اعتراض به اعمال فشار، پی‌گردد و دستگیری فعالان زنان، مقابل دادگاه انقلاب برگزار شد حمله کردند، آنان را کتک زدند و دستگیر کردند. سازمان فدائیان اقلیت به این مناسبت اطلاعیه‌ای با عنوان "ضرب و شتم و دستگیری فعالان جنبش زنان در آستانه هشت مارس روز جهانی زن" انتشار داد که در آن گفته شده است:

"امروز، قرار بود دادگاه پنج تن از فعالان جنبش زنان: پروین اردلان، شهلا انتصاری، نوشین احمدی خراسانی، فریبا داوودی مهاجر و سوسن طهماسبی به جرم شرکت در تظاهرات ۲۲ خرداد، در دادگاه انقلاب تهران برگزار شود. به همین مناسبت، روز گذشته تعدادی از فعالان حقوق بشر و حقوق زنان با صدور بیانیه‌ای با عنوان "ما چشم به آینده دوخته‌ایم" اعلام کردند در اعتراض به امنیتی کردن فضای جامعه و محاکمه فعالان حقوق زنان، امروز همزمان با تشکیل دادگاه پنج فعال نامبرده، مقابل دادگاه تجمع خواهند کرد.

امروز صبح، زمان زیادی از تجمع آنان نگذشته بود که نیروهای انتظامی و امنیتی رژیم به زنان حمله کردند، پلاکاردهای آنان را پاره کردند، آنان را مورد ضرب و شتم قرار داده و با دو مینی‌بوس ابتدا به مقر پلیس امنیت تهران در میدان عشرت آباد برده و از آن جا به اداره مبارزه با مفاسد اجتماعی در ساختمان وزرا منتقل نمودند. نیروهای سرکوبگر رژیم وقاحت را به جایی رساندند که علاوه بر اجتماع کنندگان، پنج فعال حقوق زنان را که قرار بود امروز دادگاهی شوند و وکلای آن‌ها را نیز دستگیر کردند. در جریان انتقال دستگیر شدگان به مقر پلیس امنیت تهران، نیز ضرب و شتم زنان ادامه داشت و در اثر ضرب و شتم، دندان‌های ناهید جعفری، یکی از بازداشت شدگان خرد شد.

طبق آخرین خبرهای منتشره هم اکنون خانواده تعدادی از دستگیر شدگان، همچنین تعدادی از فعالان جنبش زنان در ساختمان مفاسد اجتماعی وزرا، محل نگهداری بازداشت شدگان، اجتماع کرده‌اند و اعلام نموده‌اند تا آزادی همه بازداشت شدگان، در آن محل خواهند ماند.

در ادامه اطلاعیه آمده است:

"کارگران، زحمتکشان، مدافعان حقوق زنان، دانشجویان مبارز، روشنفکران انقلابی!

رژیم جمهوری اسلامی که با موج فزاینده مبارزات توده‌های به جان آمده از ستم و سرکوب و استثمار روبروست، بر شدت سرکوب و تشدید اختناق افزوده است. رژیم ارتجاعی حاکم تلاش می‌کند برای خلاصی از بحران داخلی، به بحران در روابط خارجی دامن بزند و اذهان عمومی را منحرف کند تا فرصتی یابد جنبش‌های رو به گسترش کارگران، زنان، دانشجویان و روشنفکران انقلابی را سرکوب نماید. گسترش روند سانسور، محدود کردن دانشجویان، فراخواندن و دستگیری دانشجویان مبارز و پیگرد، پرونده سازی رذیلانه و بازداشت فعالان جنبش زنان در همین چهارچوب صورت می‌گیرد.

باید این توطئه کثیف را خنثا کرد. نباید به رژیم اجازه داد یکبار دیگر، همانند دهه ۶۰، موج وسیع بازداشت‌های دسته‌جمعی و سرکوب مخالفان را عملی نماید. تلاش‌های اخیر رژیم نه از سر قدرت، که از ناتوانی در پاسخ دادن به ابتدائی‌ترین مطالبات برحق توده‌هایی است، که از تبعیض، اختناق، فساد و تباهی به تنگ آمده‌اند و برای تغییر این شرایط به پا خاسته‌اند.

دستگیری ۳۳ فعال جنبش زنان، در آستانه هشت مارس روز جهانی زن، با هدف موعوب کردن زنان و جلوگیری از برگزاری هر اجتماع و مراسمی به مناسبت روز جهانی زن صورت می‌گیرد.

سازمان فدائیان (اقلیت)، دادگاهی کردن فعالان جنبش زنان، و ضرب و شتم و دستگیری ۳۳ تن اجتماع‌کنندگان مقابل دادگاه انقلاب را شدیداً محکوم می‌کند. دستگیر شدگان باید فوراً و بدون هیچ قید و شرطی آزاد شوند."

## پاسخ به سئوالات

طریق امکانات اینترنتی هم ندارد. و همچنان بر مسائلی پافشاری می‌کند که به اعتقاد من نتیجه مناسب را برای جذب نیرو ندارد، و در واقع در شرایط کنونی این راست است که یک‌هفته تا عرصه سیاست است. البته من می‌دانم که چگونه می‌شود چپ انقلابی در صحنه سیاسی دوباره مطرح گردد و جریان راست را به عقب نشینی وادارد. اما سوالی که همیشه برایم مطرح است این است که طیف چپ اساساً نیرویی را که ۱۰۰ درصد چپ نباشد، به آن پاسخگو نیست.

به هر حال سوال خود را می‌نمایم به این امید که پاسخی مناسب از شما دریافت نمایم. سوال: اگر این امکان وجود داشته باشد که آزادی سیاسی تضمین شده در فردای ایران، برای تمام طیف‌های فکری و طبقاتی متحقق شود، آیا سازمان شما در راستای تحقق آن حاضر به همکاری می‌باشد؟

اگر این دوست سوال کننده با مواضع سازمان آشنایی داشته باشد، قاعدتاً باید بداند که سازمان ما خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی، استقرار حکومت کارگران و زحمتکشان و اجرای یکرشته اقدامات فوری اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. تا آن جا که به آزادی‌های سیاسی مربوط می‌شود، سازمان فدائیان (اقلیت) خواهان برقراری فوری وسیع‌ترین آزادی‌های سیاسی در سطح جامعه است. بنابراین مواضع سازمان ما در دفاع از آزادی‌های وسیع سیاسی کاملاً روشن است. این امر، در برنامه سازمان، در برنامه عمل و برنامه مقابله‌ای سازمان به صراحت

ذکر شده و در مقالات متعدد نشریه کارنیز منعکس است. برنامه فوری ما سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار حکومت شورائی کارگران و زحمتکشان است که بلافاصله پس از استقرار و به منظور تسهیل گذار به سوسیالیسم، انجام یکرشته از اقدامات سیاسی، اجتماع و اقتصادی را در دستور کار خود قرار می‌دهد که تیتروار عبارتند از:

تأمین و تضمین آزادی‌های سیاسی و حقوق دمکراتیک و مدنی مردم شامل رنوس کلی جدائی کامل دین از دولت، لغو مذهب رسمی، و جدائی مذهب از مدارس/ لغو تبعیض بر پایه جنسیت و تضمین برابری کامل سیاسی و اجتماعی زنان/ لغو ستم ملی و الغای امتیازات ویژه برای یک ملیت خاص/ اقدامات فوری اجتماعی و رفاهی عمومی شامل تأمین مسکن و تعدیل اجاره‌ها، ایجاد امکانات آموزشی، پرورشی و تفریحی برای جوانان/ اقدامات فوری برای بهبود وضعیت دهقانان زحمتکش/ اقدامات فوری برای مهار از هم گسیختگی اقتصادی و دمکراتیزه کردن اقتصاد کشور از جمله برقراری کنترل شوراهای کارگری بر تولید و توزیع، لغو مالیات غیرمستقیم و برقراری مالیات تصاعدی بر ثروت، درآمد و ارت/ ملی کردن کلیه اراضی، مراتع، جنگل‌ها و تمام منابع زیرزمینی/ و در زمینه سیاست خارجی لغو دیپلماسی سری.

در عین حال این مساله نیز در مواضع سازمان روشن است که ما در راستای سرنگونی جمهوری اسلامی، با همه کسانی که آن‌ها نیز در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی و اجرای مطالبات فوق مبارزه می‌کنند، حاضر به حرکت مشترک هستیم با تاکید بر این نکته که مطالبات فوق، اجزای به هم پیوسته‌ای هستند که یکی بدون دیگری، بی‌معنا و انجام نشدنی است.

## کمک‌های مالی

### کانادا:

۵۰	دلار	مهران بندر
۵۰	دلار	دریا
۵۰	دلار	لاکومه
۱۰۰	دلار	ستاره
۵۰	دلار	صدای فدائی
۱۰	دلار	نرگس
۱۰	دلار	انقلاب
۱۳۰	دلار	قائقران
۱۰	دلار	نقیسه ناصری
۷۰	دلار	نقیسه ناصری- رادیو
۵۰	دلار	مرگ بر ارتجاع و امپریالیسم
۱۰۰	دلار	دمکراسی شورائی ۱
۱۰۰	دلار	دمکراسی شورائی ۲
۱۰۰	دلار	دمکراسی شورائی ۳
۱۰۰	دلار	دمکراسی شورائی ۴
۱۲	دلار	زنده باد سوسیالیسم
۱۲۰	دلار	شاخه آذربایجان
۱۵۰	دلار	شاخه گیلان
۲۵۰	دلار	آفکه
۶۰	دلار	رفیق حمیدرضا ناصری
۶۰	دلار	رفیق عبدالرضا ناصری
۲۲	دلار	زنده باد سوسیالیسم
<b>آمریکا:</b>		
۵۰	دلار	سازمان عشق
۵۰	دلار	رفیق صفائی فراهانی
۱۰۰	دلار	رفیق کبیر مسعود احمدزاده
۱۰۰	دلار	رفیق کبیر بیژن جزنی
۱۰۰	دلار	رفیق کبیر حمید اشرف
۱۰۰	دلار	رفیق مرضیه احمدی اسکویی
۱۰۰	دلار	رفیق هادی

### آلمان:

۱۰	یورو	رفیق احمد زبیرم
۱۰	یورو	رفیق ایوب ملکی
۱۰	یورو	ر. کامران
۲۰	یورو	Prof. Erwin. Probs
۱۰	یورو	بهار
۱۰	یورو	رفیق رشید حسنی
۵	یورو	کامی

### فرانسه:

پاریس- جهت ادامه کار رادیو		
۱۰۰	یورو	رفیق اکبر صمیمی
۱۲۰	یورو	ف- یار رادیو
۱۲۰	یورو	م. ق.
۱۲۰	یورو	م. الف. ۱۸۳
۳۰۰	یورو	Mo. BL

### سوئد:

۱۰۰	کرون	رضا
۱۰۰	کرون	محمد کارگر نقاش

### سوئیس:

۱۰۰	فرانک	شورا
۱۰۰	فرانک	اشرف

### ایران:

۲۰۰۰	تومان	احمد شاملو
۳۰۰۰	تومان	رفیق حمید مؤمنی
۵۰۰۰	تومان	رفیق بیژن جزنی

## از صفحه ۲ لیبرال‌ها، مارکس بی‌آزار می‌خواهند

مارکس نمی‌داند. وی ادعا می‌کند که مارکس سه مرحله برای تاریخ قائل است: "برده داری، فئودالی و سرمایه داری." وی گویا هرگز نشنیده است که پیش از پیدایش جامعه برده داری، جامعه ای هم در تاریخ بشریت وجود داشته که در آن مالکیت خصوصی، طبقات و مبارزه طبقاتی خبری نبود. شیوه تولید اشتراکی بر آن حاکم بود و مناسبات تولیدی و توزیعی در این جامعه، اشتراکی بوده است. این جامعه راجامعه اشتراکی نخستین می‌نامند و از درون همین جامعه اشتراکی ست که مالکیت خصوصی و طبقات سر بر می‌آورند و جامعه طبقاتی برده داری، از نفی این جامعه پدید می‌آید. استاد دانشگاه، چون مالکیت خصوصی، و جامعه طبقاتی را ازلی و ابدی می‌پندارد، چیزی به ذهن اش نمی‌رسد، جز این که جامعه برده داری به یک لحظه از آسمان نازل شده باشد و پیش از آن چیز دیگری وجود نداشته باشد. وی البته می‌تواند هر نظری داشته باشد، اما نمی‌تواند آن را به مارکس نسبت دهد. اگر وی با دست نوشته‌های اقتصادی مارکس و تحقیقات مفصل او در مورد شیوه‌های تولیدی ماقبل سرمایه داری آشنایی هم نداشته، لاقلاً می‌بایست، با چند صفحه مقدمه ایدئولوژی آلمانی آشنایی داشته باشد و آنگاه در مورد مارکس اظهار نظر کند. اما از

قرار معلوم وی نه چیزی از مارکس خوانده و نه می‌داند. این حقیقت هنگامی بیشتر آشکار می‌گردد که وی می‌گوید: "مارکس می‌خواهد مالکیت را از بین ببرد و انسان طراز جدید بدون مالکیت را به وجود آورد."

معلوم نیست که مارکس کی و کجا گفته است، که می‌خواهد مالکیت را از بین ببرد. چون این جناب استاد دانشگاه، مالکیت را تنها در شکل خصوصی آن می‌داند، تصورش این است که اگر مالکیت خصوصی بر وسائل تولید و توزیع وجود نداشته باشد، دیگر چیزی به نام مالکیت وجود نخواهد داشت. البته وی مجاز است چنین فکر کند، اما نمی‌تواند، ادعا کند که مارکس می‌خواهد مالکیت را از بین ببرد. مارکس از الغاء مالکیت خصوصی بروسائل تولید و توزیع سخن می‌گوید و نه الغاء مالکیت به طور کلی. مارکس خواهان برقراری مالکیت اجتماعی و اشتراکی بر وسائل تولید و توزیع است. مارکس از الغاء مالکیت طبقاتی سخن می‌گوید. او از تبدیل شدن وسائل تولید به وسائل اشتراکی حرف می‌زند. کسی که حتا این را هم از مارکس نمی‌داند، سنگین‌تر این است که ادعای نقد مارکس را کنار بگذارد و ما هم به همین مختصر اکتفا کنیم و بقیه ادعاهای وی را به حال خود بگذاریم.

## پاسخ به سئوالات

– نامه‌ای به امضای "باران" از طریق پست الکترونیک برای سازمان ارسال شده است. در این نامه مسائل مختلفی مطرح شده از جمله در رابطه با پخش فیلم دادگاه خسرو گل‌سرخ و کرامت‌دانشیان از تلویزیون جمهوری اسلامی، و .... بحث کلی هم در رابطه با "سازمان‌ها و احزاب به ظاهر کمونیستی" مطرح شده و گفته شده است: "من شخصا به اکثر احزاب و سازمان‌های به ظاهر کمونیستی به دیده تردید نگاه می‌کنم و در نیت‌شان شک دارم... همه آن‌ها باید مورد تایید شما باشند چون به ظاهر همگی اصول کمونیست را قبول دارند و از طبقه کارگر دفاع می‌کنند ولی آیا به راستی دارای حقانیت هستند؟ آیا خیلی از آنها نیروهای وابسته نیستند و بعضا از طرف لابی‌های صهیونیستی حمایت نمی‌شوند؟....." سپس با اشاره به اینکه در سایت اینترنتی سازمان ما به "سازمان‌ها و احزاب به ظاهر کمونیستی" لینک داده نشده، آمده است: "شاید نشان دهنده این باشد که راه و رسم هیچکدام با شما همخوانی ندارد و به این ترتیب تکلیف همه‌شان پیش هواداران شما روشن است" در پاسخ به این سوال‌کننده محترم باید گفت سوال شما آن چنان کلی است که جواب دادن به آن عملی نیست. شما به جای سوال، تعدادی احکام کلی را بدون آن که دلیلی برای مستدل کردن آن‌ها بیاورید، ارائه کرده‌اید. این شیوه برخورد به کدام معضل قرار است پاسخ دهد؟ ابتدا حکم صادر کرده‌اید که همه "سازمان‌ها و احزاب به ظاهر کمونیستی" مورد تایید ما هستند، بعد نتیجه می‌گیرید که چون به سایت این سازمان‌ها لینک نداده‌ایم تکلیف همه‌شان پیش هواداران سازمان روشن است. اولاً اگر مورد نظر شما سازمان‌هایی هستند که "به ظاهر کمونیستی" اند، که پاسخ پیشاپیش

روشن است. سازمان به ظاهر کمونیستی که کمونیستی نیست! ثانیاً این نحوه جمع بستن سازمان‌ها، همه را در یک گونی ریختن، و حکم صادر کردن که "خیلی از آنها نیروهای وابسته" هستند، روشی است که بیشتر جهت تخطئه جریانات سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بهتر است به جای صدور احکام کلی در مورد سازمان‌ها، آن‌ها را یک به یک بررسی کرد و هر ادعا و اتهامی را با ذکر شواهد مستند ساخت. شما می‌گویید "من شخصا به اکثر احزاب و سازمان‌های به ظاهر کمونیستی به دیده تردید نگاه می‌کنم"، برای ما روشن نیست که این سوال است یا حکم است. برخلاف روشی که شما برای تحلیل سازمان‌ها در پیش گرفته‌اید، ما به این شیوه نمی‌توانیم سازمان‌های سیاسی را ارزیابی کنیم. یکجا همه را تایید کنیم و یا برعکس، بگوییم "خیلی از آن‌ها نیروهای وابسته هستند". ما جریانات را تک تک ارزیابی می‌کنیم. جریانات سیاسی علاوه بر آن چه خود در مورد خودشان می‌گویند، دارای سابقه و عملکردی هستند که نشان می‌دهد تا چه میزان حرف و عمل‌شان همخوانی دارد. در رابطه با موضع سازمان نسبت به سازمان‌ها و احزاب سیاسی نیز مطالب متعددی در شماره‌های مختلف نشریه کار نوشته‌ایم که با مراجعه به آن‌ها بیشتر با مواضع سازمان آشنا خواهید شد.

– در نامه‌ی دیگری این سوال مطرح شده است: "مدتی است به این فکر هستم که چپ ایران به دلیل نداشتن امکانات مناسب، نتوانسته است حداقل با مردم ارتباطی مناسب پیدا کند و جریان‌های راست با داشتن امکانات مناسب، ضمن به انحراف کشیدن جنبش در صدد به شکست کشیدن مبارزات مردم هستند. و چپ انقلابی هیچ کاری از دستش بر نمی‌آید و حتی یک طرح مناسب برای جلب نظر مردم- حداقل از

در صفحه ۱۱

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را در دو نسخه جداگانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه‌هایتان را به یکی از آدرس‌های زیر پست کنند.

آلمان  
K. A. R  
Postfach 160531  
60068 Frankfurt  
Germany

دانمارک  
I. S. F  
P. B. 398  
1500 Copenhagen V  
Denmark

سوئیس  
Sepehry  
Postlagernd  
3052 Zollikofen  
Switzerland

هلند  
Postbus 23135  
1100 DP  
Amsterdam Z.O  
Holland

کانادا  
K.Z  
P.O.BOX 2488  
Vancouver B.C  
V6B 3W7 Canada

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.

I. W. A  
6932641 Postbank  
HOLLAND

شماره‌های فکس ۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۶۶  
سازمان فداییان ۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲  
(اقلیت) ۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱

نشانی ما بر روی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

شماره پیام‌گیر سازمان فدائیان (اقلیت):

۰۰۳۱ ۶۴۹۹۵۳۴۲۳

KAR

Organization Of Fedaian (Minority)  
No 497 march 2007

## رادیو دمکراسی شورائی

رادیو دمکراسی شورائی، روزهای یکشنبه، سه‌شنبه، پنجشنبه و جمعه‌ی هر هفته، از ساعت ۵ / ۸ تا ۵ / ۹ شب به وقت ایران، روی طول موج کوتاه ردیف ۴۱ متر، فرکانس ۷۴۷۰ کیلو هرتز، پخش می‌شود.

برنامه‌های صدای دمکراسی شورائی، همزمان از طریق سایت رادیو دمکراسی شورائی، <http://www.radioshora.org>، نیز پخش می‌شود.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقرار باد حکومت شورایی